



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



المراد
علیهما الصلوة
والتسليم

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

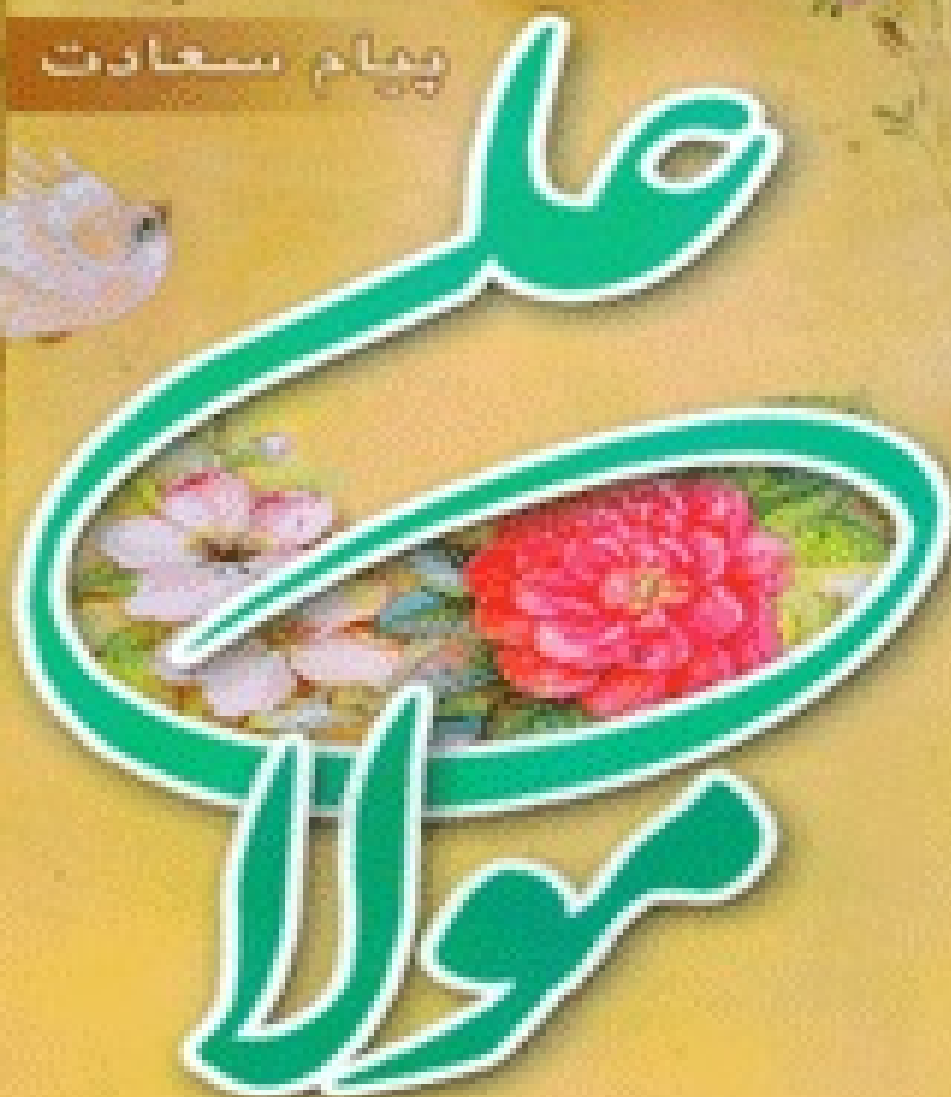
.com

.org

.net

.ir

پیام سعادت



خطبه پیامبر در غدیر خم

جهت الاسلام و المسلمین علی عبودیت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خطبه غدیر پیام سعادت جاودانه بشر

نویسنده:

علی عبودیت

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	خطبه غدیر پیام سعادت جاودانه بشر
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۲	تقدیم
۱۶	علی علیه السلام از بعثت تا هجرت
۲۵	علی علیه السلام در آیات قرآن
۲۵	علی علیه السلام پس از هجرت
۳۷	مقدمات انتخاب علی علیه السلام به جانشینی پیامبر و رهبری امت و مختصری از آیات قرآن
۶۰	مدارک خطبه غدیر:
۷۱	أَمْرٌ إِيَّاهِ فِي مَوْضِعٍ هَامٍّ
۷۱	اشاره
۷۲	۲-فرمان خدا در موضوع مهم
۷۹	الْإِعْلَانُ الرَّسْمِيُّ بِإِمَامَةِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ (عليهم السلام)
۷۹	اشاره
۸۰	۳-اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام
۹۳	رَفَعَ عَلِيٌّ (عليه السلام) بَيْدِي رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)
۹۳	اشاره
۹۴	۴-بلند کردن و معرفی علی علیه السلام
۹۷	التَّأْكِيدُ عَلَى تَوَجُّهِ الْأُمَّةِ نَحْوِ مَسْأَلَةِ الْإِمَامَةِ
۹۷	اشاره
۹۸	۵-تأکید بر توجه امت به مسئله امامت
۱۰۳	الْإِشَارَةُ إِلَى مَقَاصِدِ الْمُنَافِقِينَ
۱۰۳	اشاره

- ۱۰۴ ۶- اشاره به کار شکنی های منافقین
- ۱۱۱ أولیاء أهل البیت (علیهم السلام) وأعدائهم
- ۱۱۱ اشاره
- ۱۱۲ ۷- پیروان اهل بیت و دشمنان ایشان
- ۱۲۱ الإمام المهدی عجل الله فرجه -
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۲ ۸- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۲۳ التمهید لامر البیعة
- ۱۲۳ اشاره
- ۱۲۴ ۹- فرمان بیعت
- ۱۲۵ الواجبات والمحرمات
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۶ ۱۰- واجبات و محرمات
- ۱۳۳ البیعة بصورت رسمیه
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۴ ۱۱- بیعت گرفتن رسمی
- ۱۴۴ اعمال و آداب روز عید غدیر
- ۱۴۶ درباره مرکز

سرشناسه: عبودیت علی

عنوان و نام پدید آور: خطبه غدیر پیام سعادت جاودانه بشر / تألیف علی عبودیت؛ ویرایش محمد نظام الدین.

مشخصات ظاهری: 138 ص.

شابک: 978-964-7331-86-9

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول 23 قبل از هجرت - 40 ق. - اثبات خلافت

موضوع: محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر اسلام 53 قبل از هجرت - 11 ق. - خطبه ها.

موضوع: غدیر خم، خطبه

رده بندی کنگره: 1387 6 ح 27 ع/5/223 BP

رده بندی دیویی: 1387 223/5/27

شماره کتاب شناسی ملی: 1620028

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم نرگس ذکری

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَام

ص: 2

خطبة غدیر، پیام سعادت جاودانه بشریت

تألیف: حجّة الاسلام والمسلمین علی عبودیت

انتشارات مهر قائم

ص: 3

سرشناسه: عبودیت علی

عنوان و نام پدید آور: خطبه غدیر پیام سعادت جاودانه بشر / تألیف علی عبودیت؛ ویرایش محمد نظام الدین.

مشخصات ظاهری: 138 ص.

شابک: 978-964-7331-86-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (علیه السلام)، امام اول 23 قبل از هجرت - 40 ق. - اثبات خلافت

موضوع: محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر اسلام 53 قبل از هجرت - 11 ق. - خطبه ها.

موضوع: غدیر خم، خطبه

رده بندی کنگره: 1387 6 ح 27 ع/ BP223/5

رده بندی دیویی: 1387 223/5/27

شماره کتاب شناسی ملی: 1620028

نام کتاب: خطبه غدیر پیام سعادت جاودانه بشریت

نگارش: حجّة الاسلام و المسلمین علی عبودیت

ویرایش: سید محمّد نظام الدین

طرح جلد: غلام رضا نصر

ناشر: انتشارات مهر قائم

تاریخ و نوبت چاپ: چاپ اول

شمارگان 4000 نسخه / قطع: پالتویی 138 صفحه

لیتوگرافی: تک رنگ 0311-2317075

چاپ: ملت 0311-2254355

شابک: 9640987-7331-86-9

ISBN:978-964-7331-86-9

کلیه حقوق برای مولف محفوظ می باشد

ص: 4

به محض مبارك قطب عالم امكان و محور عالم وجود و واسطه فيض بين خالق و مخلوق و موجد و موجود و الامام المبين الذي احصاه الله كل شيء فيه حضرت محمد بن احسن العسكري عجل الله تعالى فرجه الشريف.

برادر مسلمان سعادت جاودانه هدیه فوق العاده ارزشمندی می باشد که خداوند متعال بوسیله اشرف پیغمبران به عنوان زیبا ترین و شریف ترین نعمت خود با بزرگ تری منت بر بندگان مومن و مخلص خود که ایشان را به معرفت و محبت اهل بیت نبوت چهارده معصوم پاک گرامی داشته کرامت فرموده و شایستگی بزرگ ترین افتخار یعنی اموریت انجام فرمان پیغمبر را در رساندن این پیام سعادت جاودانه را به ایشان عنایت فرموده. با دریافت این بدیه ارزشمند خداوند متعال سعادت و افتخار این ماموریت افتخار آفرین را نصیب تو هم فرموده به هوش باش لحظه ای را در انجام این ماموریت از دست ندهی.

فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

پس یاد این فرمان را تا روز قیامت حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

و در فراز ششم خطبه غدیر می فرماید:

من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت در علی و بعد از علی در نسل خودم از فرزندان علی تا روز قیامت ودیعه قرار داد و نه امور به ابلاغش بودم ابلاغ کردم تا حجّت باشد به همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده اند یا نیامده اند. پس باید حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

ص: 7

علی علیه السلام از بعثت تا هجرت

زمانی که پیغمبر گرامی اسلام مبعوث گردید اول کسی که به آن حضرت ایمان آورد از مردان علی علیه السلام و از زنان خدیجه عیال آن حضرت بود.

با نزول آیه شریفه (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) [\(1\)](#) علی علیه السلام به فرمان پیغمبر مجلس ضیافتی ترتیب داد و چهل نفر از بنی هاشم را دعوت نمود؛ پس از صرف غذا، قبل از این که پیغمبر سخنی بگوید با اظهارات منفی و مخالفت ابو لهب، که به شدت مخالف پیغمبر بود، همگی متفرق شدند لذا روز بعد علی علیه السلام بدستور پیغمبر دو مرتبه مجلس ضیافتی ترتیب داده و همان عده را دعوت فرمود؛ پس از صرف غذا ابو لهب خواست جریان روز قبل را تکرار کند ابو طالب پدر بزرگوار علی علیه السلام که قبلاً در خفا به پیغمبر ایمان آورده بود به او بانگ زد بگذار پیغمبر حرف خود را بزند. سپس پیغمبر پس از اظهار رسالت خود فرمود: هر کس

ص: 9

از شما اول ایمان بیاورد وزیر و وصی و خلیفه من خواهد بود کسی جواب نداد و فقط علی علیه السلام جواب داد: **إِنَّا يَا رَسُولَ اللَّهِ**. پس از سه مرتبه تکرار این جریان پیغمبر به حاضرین فرمود: این علی برادر و وزیر و وصی و خلیفه من است و همگی باید از او اطاعت نمایند.

نکته ای که تذکر آن در این جا لازم است؛ به موجب آیه شریفه: **(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)** (1) پیغمبر از هوای نفس سخن نمی گوید و گفتار او وحی الهی است. لذا انتخاب علی در ظاهر امر با تشریفات ظاهری و در باطن به فرمان الهی انجام شد. با شروع دعوت پیغمبر اهالی مکه، که عموماً کافر و بت پرست بودند شدیداً به مخالفت برخاسته و شروع به اذیت و آزار پیغمبر نمودند. ابو طالب علیه السلام در این موقع ریاست محترم ترین و مهم ترین قبیله عرب را که بنی هاشم بودند به عهده داشت و در خفا به پیغمبر ایمان آورده و ایمان خود را - برای این که بتواند از پیغمبر پشتیبانی کند - ظاهر نمی کرد؛ به پیغمبر عرض کرد ای برادر زاده مأموریتی را که خداوند متعال به تو داده به انجام برسان تا وقتی من زنده باشم با یاری

ص: 10

خداوند متعال نمی گذارم آسیبی به تو برسد. ولی کُفار با امضاء معاهده قطع رابطه و محاصره همه جانبه اجتماعی و اقتصادی پیغمبر و ابو طالب و مسلمانان را که تعداد کمی بودند؛ در محلی در مکه به نام شعب ابو طالب در تنگنا و فشار شدیدی قرار دادند. و چون در صدد قتل پیغمبر بودند، ابو طالب بعضی از شب ها چندین مرتبه خوابگاه پیغمبر را عوض می کرد و ابراهیم وار علی علیه السلام را در قربانگاه عشق به جای خوابانید و علی علیه السلام برای نجات جان پیغمبر با کمال اشتیاق خود را آماده قربانی شدن و شهادت می نمود.

پس از رحلت ابو طالب علیه السلام، بنی هاشم و در رأس آن ها علی علیه السلام بنا به سفارش ابو طالب به مراقبت و پشتیبانی پیغمبر ادامه دادند؛ تا در سال سیزدهم بعثت کفار در محلی به نام دار الندوه برای توطئه قتل پیغمبر اجتماع کردند. شیطان هم به نام و قیافه پیر مردی نجدی در اجتماع ایشان شرکت کرد.

هر یک از سران کُفار طرخی را برای قتل پیغمبر پیشنهاد کردند، که همه آن طرح ها از طرف شیطان رد شد و سر انجام به پیشنهاد خود شیطان، چهل نفر شمشیر زن شجاع، از چهل قبیله عرب، انتخاب شدند

که شبانه به خانه پیغمبر حمله نمایند و پیغمبر را در بستر خواب قطعه قطعه نمایند جبرئیل به فرمان خداوند متعال پیغمبر را آگاه نمود و آیه شریفه نازل گردید: (وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يُسْرِطُوا أَوْ يَمْكُرُوا وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ). (1)

سپس به پیغمبر دستور داده شد برای هجرت به مدینه شبانه علی علیه السلام را به جای خود بخواباند و خودش به غار ثور برود پیغمبر متوجه شد که در معرض مهم ترین آزمایش الهی قرار گرفته و باید دست پرورده جانباز فداکار و ثمره کامل دوران رسالت و تبلور واقعی خود و منتهای آمال و آرزوهای الهی خود را که به آن دل بسته بود؛ با تمام محبت و عشق و علاقه به وی در معرض شمشیر خصمانه چهل نفر دشمن خون آشام شمشیر زن بدون هیچ گونه دفاعی بخواباند لذا پیغمبر با تمام درد و فشاری که این امر بر قلب نازنین پر مهر و محبتش وارد می کرد با خرسندی و رضایت کامل به قضای الهی این دستور الهی را به علی علیه السلام اطلاع داد و به او گفت: امشب چهل نفر الا دشمن بی رحم قسی القلب برای کشتن و قطعه قطعه

ص: 12

کردن من بر بسترم هجوم خواهند کرد و جبرئیل بامر خداوند متعال دستور داده من برای هجرت به مدینه به غار ثور بروم و توبه جای من در بسترم بخوابی. علی علیه السلام عرض کرد: یا رسول الله آیا در این صورت جان شما سالم خواهد ماند؟ پیغمبر فرمود: بلی. علی علیه السلام عرض کرد هزار جان من فدای شما و بدون تأمل سر به سجده نهاده و سجده شکر بجا آورد و با پیغمبر یک دیگر را در آغوش گرفته و با هم وداع کردند علی علیه السلام عرض کرد یا رسول الله برو، و به هرچه فرمان یافته ای عمل کن که مرا کاملاً مطیع و شکیبا خواهی یافت.

پیغمبر به طرف غار ثور حرکت کرد و در راه به ابو بکر بر خورد کرده او را با خود همراه برد به اراده خدای متعال عنکبوتی دهانه غار را با تار های خود مسدود نمود و کبوتری در مدخل غار لانه ساخت و تخم گذاری کرد و اما علی علیه السلام تجسم واقعی و اعلائی جوانمردی و شجاعت و ایمان و اخلاص و ایثار به خانه پیغمبر رفت و ردای سبز پیغمبر را بروی خود کشید و آماده شهادت و فداکاری و جان بازی و قطعه قطعه شدن برای رضایت و خشنودی و اطاعت امر الهی، در بستر پیغمبر خوابید.

ص: 13

خداوند متعال درباره این بزرگواری و ایثار و فداکاری و اخلاص شجاعانه، که بحقیقت تحسین و اعجاب ملکوتیان و فرشتگان عوالم بالا را برانگیخت؛ به فرشتگان مقرب خود مباحثات فرمود و این آیه مبارکه: (وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ) (1) را نازل فرمود؛ مباحثات خداوند متعال و نزول این آیه در شأن علی علیه السلام را عموم محدثین و علمای اهل سنت و محدثین و علمای شیعه مشروحاً بیان کرده اند و مورد تصدیق و توافق و تایید کلیه مسلمانان می باشد و خلافتی در آن نیست. از طرفی کُفَّار شبانه خانه پیغمبر را محاصره کرده و از بالای دیوارهای کوتاه خانه خوابگاه پیغمبر را زیر نظر گرفته و با وضع موجود موفقیت خود را قطعی دانستند و چند مرتبه تصمیم به حمله گرفتند که ابو لهب گفت در این خانه زن و بچه هستند و باید پس از روشن شدن هوا حمله کنیم که غیر از محمد به کسی آسیبی نرسد.

لذا در طول شب چند مرتبه به سنگ پرانی های مختصری اکتفا کردند که علی علیه السلام غیر از جزئی پهلوی به پهلوی شدن عکس العمل دیگری از خود نشان نداد با روشن شدن هوا به فرمان ابو جهل دفعتاً همگی حمله

ص: 14

کردند. علی علیه السلام یک مرتبه با تمام قامت از بستر برخواست و ایستاد و بانگ زد چه می خواهید کُفَّار یگه خورده و متوجه شدند علی علیه السلام در بستر خفته بوده؛ خالد بن ولید جسور ترین و شجاع ترین آن ها با شمشیر برهنه به علی حمله ور شد؛ علی علیه السلام دست او را در هوا گرفته و چنان فشار داد که شمشیر از دست او افتاد و به خود پیچیده و صدای ناله و زوزه او بلند شد و او را به گوشه ای پرتاب کرد در این موقع یکی از سران کُفَّار فریاد زد بیهوده وقت خود را با این جوان تلف نکنید ما باید محمد را بیابیم و همگی خانه را ترک کردند و برای یافتن پیغمبر بعضی از خانه های مکه را جستجو کرده و چون از یافتن پیغمبر نا امید شدند، برای یافتن و دست گیری آن حضرت صد شتر جایزه تعیین و ابو کرز خزاعی اثر شناس و رد یاب معروف را به خدمت گرفتند؛ ابو کرز رد پای پیغمبر را پیدا نموده و به دنبال ردپا تا جایی که با ابو بکر همراه شده و از آن جا تا غار ثور ایشان را راهنمایی کرد و با مشاهده تار های عنکبوت و لانه کبوتر گفت: محمد و همراهش تا این جا آمده اند و اگر داخل غار نشده باشند به آسمان بالا یا به زمین فرو رفته اند.

در این حال ابو بکر که اجتماع خشمگین کُفَّار را با

شمشیر های برهنه در مقابل غار دید به گمان این که همان طور که او آن ها را می بیند آن ها هم او را می بینند، آرامش خود را از دست داده و از ترس خود را باخته و حشت زده با کلمات بریده، ترسان و لرزان گفت: ای رسول خدا آن ها ما را دیدند بگو به کجا پناه ببرم. خداوند متعال در آیه 40 از سوره توبه می فرماید پیغمبر به او فرمود: (لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا). ولی ابوبکر قادر به حفظ آرامش خود نبود، در این بین یکی از کفار گفت: شاید داخل این غار رفته باشند. دیگری جواب داد وضع این تار های عنکبوت و لانه کبوتران نشان می دهد که ده ها روز است کسی داخل این غار نشده در حالی که چند ساعتی بیشتر از فرار محمد نمی گذرد اُمیة ابن خلف یکی از سران کفار گفت: قبل از تولد محمد تاکنون کسی داخل این غار نشده و همگی از اطراف غار متفرق شدند.

جبرئیل سلامتی علی علیه السلام را به پیغمبر خبر داد و علی علیه السلام با پیغمبر ملاقات نمود و پیغمبر به او دستور داد در مکه جار بزند ، که هر کس امانتی نزد پیغمبر دارد بیاید بگیرد؛ و پس از ردّ امانات مردم با مادرش فاطمه بنت اسد و فاطمه دختر پیغمبر به مدینه مهاجرت نمایند. علی علیه السلام پس از ردّ امانات با زن ها عازم مدینه شد.

کُفَّار که از انجام نشدن توطئه قتل پیغمبر فوق العاده خشمگین بودند، تصمیم بر انتقام از علی که وسیله نجات پیغمبر شده بود و گروگان گیری و اسارت زن ها گرفتند. لذا حارث ابن امیة یکی از دشمنان سر سخت پیغمبر با هفت نفر از شجاع ترین جنگ آوران نزدیک مکه راه را بر علی گرفتند؛ علی علیه السلام ایشان را چنان سرکوب نمود که دیگر احدی جرأت ممانعت پیدا نکرد و پیروز مندانه با زن ها در قبا در نزدیکی مدینه به پیغمبر ملحق شدند و با پیغمبر که برای ورود به مدینه در قبا منتظر رسیدن او بود به مدینه وارد شدند.

خواننده عزیز با مطالعه این نمونه مختصر، شاهد بخشی از مجاهدت های علی علیه السلام از اولین روز بعثت و آغاز ماموریت پیغمبر به ابلاغ رسالت خود و ابلاغ خلافت و وصایت و برادری علی با خودش بودیم. علی علیه السلام از آغاز بعثت با اخلاص و ایثار و محبت و ارادت لحظه به لحظه برای حفظ جان پیغمبر و پیش برد ماموریت جهانی و جاودانه آن حضرت با کمال شجاعت، به گونه ای مجاهدت و جان فشانی فرمود که اسلام عزیز را تا قیام قیامت، با کمال عزت و عظمت جهانی و جاودانه به جامعه بشریت اهدا نمود و خیر و سعادت و عزت دنیا و آخرت را نصیب مسلمانان

فرمود به گونه ای که خداوند متعال در قرآن از او تشکر و به او و عمل او مباحات فرموده.

علی علیه السلام در آیات قرآن

علی علیه السلام پس از هجرت

چنانچه قبلاً گفته شد پیغمبر در محله قبا نزدیک مدینه توقف نمودند و پس از این که علی علیه السلام به اتفاق بانوان به ایشان پیوست وارد مدینه شدند با ورود پیغمبر به مدینه، اسلام در مدینه استقرار یافت و پیغمبر مسلمین را با یک دیگر برادر نمود. از جمله ابو بکر و عمر را با یک دیگر و علی علیه السلام را با خود برادر قرار داد و فرمود: (يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي). یعنی منزلت تو نسبت به من مانند منزلت هرون است از برای حضرت موسی غیر از نبوت (مجدداً آیات اول و دوم سوره نجم درباره پیغمبر یاد آوری می شود که گفتار پیغمبر را وحی الهی می شمارد).

طبق روایات متواتره، کلیه محدثین، از شیعه و سنی صد ها مرتبه این حدیث را از پیغمبر روایت نموده اند. خداوند متعال در قرآن چنین می فرماید: (وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي) (1). بدیهی

ص: 18

1- آیه 116 از سوره اعراف.

است تمام شئون حضرت هارون بغیر از نبوت برای علی علیه السلام تأیید گردیده و خدا و پیغمبر به موجب این آیه خلافت و اخوت را بخصوص برای علی علیه السلام تأیید و تنفیذ فرموده اند.

ورود پیغمبر به مدینه، کفار مکه را که علاوه بر انواع آزار و اذیت و شکنجه تمام مایملک مسلمانان مهاجر به مدینه را مصادره کرده بودند به وحشت انداخت؛ مسلمین و کفار هر دو از طرف یک دیگر احساس خطر کردند. در این موقع آیه جهاد نازل گردید، و خداوند متعال به مسلمین وعده یاری و پیروزی در جهاد با کفار را داد و مسلمین با 313 نفر، که همگی بدون تجهیزات و امکانات جنگی بودند در محلی بنام بدر، نزدیک مدینه با هزار نفر از کفار که همگی دارای کلیه امکانات و تجهیزات جنگی و پیشرفته آن روز بودند در مقابل یک دیگر قرار گرفتند.

کفار که از نقطه نظر امکانات و تجهیزات و تعداد مردان جنگی، پیروزی خود را در این جنگ نا برابر قطعی می دانستند؛ سه نفر از جنگ جویان شجاع و نامی خود را به میدان فرستادند؛ پیغمبر، حمزه عموی خود و عتبه عموزاده خود و علی را به مقابله با آن ها به میدان فرستاد علی علیه السلام به زودی هم رزم خود را به خاک

هلاک انداخت و چون پای عتبه بوسیله هم رزمش قطع شده بود به کمک عتبه شتافت و هم رزم عتبه را هم هلاک کرد و چون هنوز حمزه با همتای خود درگیر بود به کمک حمزه رفت و هم رزم حمزه را نیز به خاک هلاک انداخت.

کشته شدن این سه نفر که از جنگ جویان شجاع و نام دار کُفَّار بودند و کُفَّار به آن ها خیلی امیدوار بودند، در اولین ساعات شروع جنگ به دست علی علیه السلام امید و اطمینان کُفَّار را تبدیل به یأس و ناامیدی نمود؛ و روحیه خود را به کلی از دست دادند و به شکست خود یقین کردند؛ و بر عکس روحیه مسلمین تقویت گردید و با اطمینان فوق العاده به وعده نصرت الهی پیروزی قطعی در جنگ را معاینه کردند. در این حال دو لشکر به یک دیگر حمله کردند و با کشته شدن چند نفری از کُفَّار در این حمله به دست علی بیشتر کفار شروع به فرار کردند. فرار کُفَّار بیشتر سبب تشجیع مسلمین گردید و با کشته شدن هفتاد نفر از کُفَّار که نصف بیشتر آن ها تنها به دست علی و بقیه به دست سایر مسلمین کشته شدند و اسارت هفتاد نفر از آن ها شکست سختی بر کُفَّار وارد شد و بیش از هشت صد نفر آن ها به مکه گریختند

ص: 20

عظمت و شکوه و شجاعت و مردانگی و ایمان قوی و بی مانند علی علیه السلام؛ مسلمان ها را که تا قبل از این جنگ قابل اهمیت نمی دانستند بعنوان مهم ترین و قوی ترین حکومت و حاکمیت سیاسی و مذهبی در تمام شبه جزیره عربستان مطرح کرد.

سال بعد ابو سفیان (پدر معاویه بنیان گزار سلطنت مشئوم بنی امیه) با سه هزار مرد جنگی در اُحد یک فرسخی مدینه به جنگ مسلمانان آمدند. پیغمبر پنجاه نفر از مسلمانان را مأمور مراقبت از شکاف کوه احد فرمود و به ایشان گفت: اگر ما کُفَّار را تا مکه هم عقب راندیم یا کفار ما را تا مدینه عقب راندند، در هیچ صورت شما نباید این شکاف را رها کنید.

با شروع جنگ علی علیه السلام در جنگ تن به تن، یازده تن از علم داران شجاع و بی مانند کفار را یکی پس از دیگری به خاک هلاک انداخت. مسلمانان بی باکانه به کُفَّار حمله ور شدند و کُفَّار که کاملاً مرعوب شده بودند، شکست خورده و فرار کردند. با شکست و فرار کُفَّار مسلمین جنگ را رها نموده و به جمع آوری غنائم پرداختند.

محافظین شکاف کوه بر خلاف فرمان پیغمبر شکاف را رها کرده و با سایر مسلمین به جمع آوری غنائم

پرداختند؛ کُفّار از موقعیت استفاده و از همان شکاف از پشت جبهه به مسلمین حمله کردند؛ خلیفه اول و دوم و سوم هر سه نفر با عده ای از مسلمین فرار کردند، تعدادی از مسلمین شهید شدند و حمزه عموی پیغمبر به توطئه مادر معاویه شهید شد و آن زن معروفه پیکر مبارک حضرت حمزه را مثله کرد و جگر آن حضرت را بیرون آورد و در دهان نحس خود گذاشت و به همین جهت آن زن دیوسیرت به آکِلَةُ الأُكْبَاد و فرزند ملعون او معاویه به فرزند آکِلَةُ الأُكْبَاد ملقب شد.

فرار ابو بکر و عمر و عثمان و عده ای از مسلمین موجب تشجیع کفار شد و کُفّار به طمع کشتن پیغمبر، شدید ترین حمله و یورش خود را متوجه پیغمبر کردند؛ دندان و پیشانی مبارک پیغمبر شکست و تعدادی از مسلمین کشته شدند ولی علی علیه السلام به تنهایی با استقامت و رشادت و شجاعت غیر قابل وصفی به دفاع از پیغمبر پرداخت و حملات کُفّار را دفع نمود و کُفّار را به عقب راند کفار که از دستیابی به هدف و پیروزی کامل نا امید شدند ناچار به مکه برگشتند.

بعضی از مورخین نوشته اند هفتاد زخم کاری در این جنگ به بدن مبارک حضرت علی علیه السلام وارد شد، تا

توانست با استقامت و شجاعت مخصوص به خودش کُفَّار را مجبور به عقب نشینی کرده و جان مبارک پیغمبر را حفظ و اسلام عزیز را از خطر نابودی قطعی نجات دهد جنگ احد را باید پیروزی در دل شکست و شکست در دل پیروزی به حساب آورد.

مدتی بعد باز ابو سفیان ده هزار مرد جنگی از تمام قبائل عرب بسیج نمود که عموم شجاعان و قهرمانان نامی عرب در آن حضور داشتند و از همه آن ها شجاع تر و معروف تر عمرو بن عبدود معروف به فارس یلیل بود، که دلاوری و قدرت و شجاعت او ضرب المثل و زبان زد خاص و عام اعراب بود و حضور او در سپاه کفر به منزله ضمانت نامه پیروزی کُفَّار تلقی می شد. از طرف دیگر مدینه شهری بود کوچک و بدون امکانات دفاعی؛ عده مسلمین کم و همگی فقیر و بدون تجهیزات جنگی و دفاعی. کُفَّار مصمم بودند دفعتاً با یک یورش و تهاجم همه جانبه مدینه را خراب و مسلمین را قتل عام و اسلام جدید التأسیس را در نطفه خفه و نابود نموده و اثری از آن باقی نگذارند.

یهودیان اطراف مدینه با بر آورد و مشاهده ضعف مسلمین و قدرت و نیروی عظیم کُفَّار و حضور فارس یلیل، که همگی دور نمای شکست و نابودی قطعی

مسلمین و پیروزی قطعی کُفار را در نظر ایشان مجسم می نمود، پیمان عدم تعرُّض خود با مسلمین را شکستند و با کُفار بر ضد مسلمین، پیمان همکاری بستند و به فرستاده ای که پیغمبر برای تحکیم و تجدید پیمان نزد ایشان فرستاد، با اهانت شدید به پیغمبر و مسلمین، به مسلمین اعلان جنگ دادند.

با اطلاع پیغمبر از نقشه کُفار، به پیشنهاد سلمان فارسی و فرمان پیغمبر، مسلمانان در اسرع وقت در اطراف مدینه خندق حفر کردند با حفر خندق جلو تهاجم و یورش کُفار گرفته شد و ایشان را غافل گیر کرد و در مقابل عمل انجام شده قرار داد؛ پیغمبر عده ای از لشکریان خود را در داخل مدینه، برای جلوگیری و مقابله با حمله احتمالی یهود مستقر فرمود و کُفار را فقط به جنگ روبرو مجبور نمود.

با شروع جنگ برای پیشدستی در پیروزی و تضعیف روحیه و ارباب مسلمین، فارس یلیل که در بین اعراب کسی قدرت مقابله با او را نداشت به میدان آمد و با اسب خود از خندق پرید و در مقابل صفوف مسلمین، با عربده و نعره های وحشتناک شروع به رجز خوانی کرد و هر لحظه با تمسخر عربده می کشید و گفت: ای مسلمان ها در میان شما کسی نیست که

من او را به بهشتی که می پندارید بفرستم یا او، مرا به جهنم بفرستند! ولی در بین مسلمین کسی جرأت جواب گویی و مقابله با او را نداشت. در این حال خلیفه اول و دوم وحشت زده مشغول شرح و تفصیل شجاعت و قدرت نمایی های عمر و بودند و بدین گونه روحیه سپاه اسلام را ضعیف می کردند. پیغمبر در چنین موقعیتی چندین مرتبه فریاد زدند یک نفر برود شر این کافر را دفع کند؛ ولی غیر از علی علیه السلام کسی جواب پیغمبر را نداد در آخر علی علیه السلام با اجازه پیغمبر، بدون ذره ای ترس و واهمه با کمال قدرت و شجاعت به جنگ او رفت. این جا بود که پیغمبر فرمود: تمامی اسلام با تمامی کفر روبرو شد.

چون علی روی عمر و قرار گرفت، عمر و شروع به تهدید و ارباب علی نمود. علی علیه السلام در پاسخ وی، او را به اسلام دعوت نمود عمر و با تکبر و نخوت دعوت علی را رد کرد و درگیری بین آن دو شروع شد و ضربه شمشیر عمر و فرق حضرت علی را شکافت؛ چون نوبت به علی علیه السلام رسید هیکل تنومند و دیو مانند فارس یلیل را، با یک ضربت بخاک هلاک انداخت و در مقابل چشمان وحشت زده و حیران کُفّار، سر او را جدا نمود پیروزی علی بر فارس یلیل کُفّار را

مرعوب و دیدگاه‌ها و نقشه‌های خطرناک ایشان را نقش بر آب و اطمینان ایشان را به پیروزی مُبَدِّل به ترس و یاس و ناامیدی نمود و توان مبارزه را از ایشان سلب کرد؛ دیگر کسی از ایشان جرأت به میدان آمدن و مبارز طلبیدن نکرد و بر عکس مسلمان‌ها را قوی دل، و مطمئن به یاری و نصرت خداوند متعال و پیروزی نمود و یهودیان را هم از همکاری و همراهی با کُفَّار پشیمان و منصرف نمود و طرفین پیمان خود را با یک دیگر شکستند.

برای درک اهمیت و اثر این ضربه به گفتار پیغمبر - که از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید - باید نگریست که فرمود: (ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ). یعنی: ضربه شمشیر علی در جنگ خندق برتر از عبادتی که جن و انس تا روز قیامت انجام می‌دهند می‌باشد. چون این ضربه اسلام عزیز را از خطر توطئه هول‌ناکی که کُفَّار برای نابودی اسلام تدارک دیده بودند نجات داد و راه عبودیت و اطاعت از اوامر الهی و رسیدن به سعادت جاودانه را برای جامعه بشری روشن و نمایان و اسلام عزیز را جاودانه ساخت.

از طرفی کُفَّار که شدیداً به حیرت و وحشت دچار

شده بودند پس از چند روزی که بدون نتیجه به محاصره ادامه دادند به بهانه عدم مقاومت در مقابل باد شدیدی که خیمه ها و تجهیزات ایشان را سرنگون می کرد بهترین بهانه را برای فرار بدست آورده و با منتهای خفت و خواری و سر افکنندگی متفرق شده و به دیار خود برگشتند و دیگر جرأت لشکر کشی و حمله به مسلمانان را پیدا نکردند و پیغمبر فرمودند از این پس کفار به سراغ ما نخواهند آمد.

لازم به ذکر است که پس از هجرت پیغمبر به مدینه، تا زمان رحلت آن حضرت بیش از هفتاد غزوه و سریه نقل شده که بعضی از آن ها شدید تر و مهم تر از جنگ های بدر و احد و خندق (احزاب) بوده است. و بنا به نقل کلیه راویان و تواریخ مخالف و موافق، بیشترین سهم پیروزی در آن ها را خداوند متعال به علی و به وسیله علی علیه السلام عنایت فرموده؛ در حالی که از خلفای سه گانه با موقع شناسی سیاستمدارانه آن ها، هیچ موردی از تَحَرُّک و مبارزه در میدان های جنگ حتی در کتب خود اهل سنت نقل نشده بلکه غیر از فرار در جنگ احد چندین فرار دیگر، در کتب فریقین از ایشان نقل شده مثلاً در جنگ خیبر که فتح ان فوق العاده مهم است پیغمبر روز اول خلیفه اول و روز دوم خلیفه

دوم و روز سوم خلیفه سوم را با عده ای از مسلمین جنگ مرحب خیبری و برای فتح قلعه های خیر اعزام فرمودند، ولی در هر سه نوبت هر یک از سه خلیفه با ورود به میدان جنگ و مشاهده هیبت دشمن به سرعت بر گشته و فرار کردند و لشکر اسلام را فراری دادند پس از آن بود که پیغمبر فرمودند:

فردا عَلم را به کسی می دهم که کَزار غیر فرار است، و خدا و پیغمبر او را دوست دارند و او خدا و پیغمبر را دوست دارد و خداوند متعال جنگ را به دست او فتح خواهد کرد. روز بعد علی را که دچار چشم درد شدیدی بود خواستند و به دست مبارک خود چشم علی را شفا دادند سپس علم را بدست وی داده و او را به جنگ اعزام کردند این جا نیز آن حضرت فتح نمایانی کرد که موجب اعجاب و مورد تحسین دوست و دشمن قرار گرفته و با اهمیت تمام مشروحاً، در کُتب حدیث و تاریخ ذکر شده و یکی از فتوحات مهم و معروف و سرنوشت ساز اسلامی می باشد و به خوبی شایستگی فوق العاده علی علیه السلام و عدم شایستگی سایرین را نمایان می سازد فخر رازی از دانشمندان بزرگ و معروف اهل سنت در تفسیر خود و عده ای از

علمای شیعه و سنی در شأن نزول آیه (1) 54 سوره مائده می نویسند این آیه در جنگ خیبر در شأن علی علیه السلام نازل شده که پس از برگشتن از برگشتن و ارتداد 3 خلیفه بدون جنگ بواسطه ترس و برگشت از مقابله و مواجهه با مرحب خیبری علی علیه السلام که محبوب خدا و پیغمبر می باشد و خدا و پیغمبر محبوب او می باشند با جنگ با مرحب و کشتن او و فتح قلعه های خیبر سبب سرافرازی و عزت مسلمین و ذلت کفار گردید.

ص: 29

1- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).

مقدمات انتخاب علی علیه السلام به جانشینی پیامبر و رهبری امت و مختصری از آیات قرآن

خطبه غدیر خطاب به ای است که پیغمبر گرامی اسلام، به فرمان خداوند متعال از زمان شروع رسالت - برای شناساندن مقام باعظمت امیر المؤمنین علی علیه السلام و معرفی شایستگی بی نظیر آن حضرت برای خلافت و ولایت و اولوالامری مسلمین - زمینه سازی آن را نموده اند و در تمام دوران رسالت خود با تمام وجود به فرمان خداوند متعال در این امر فوق مهم که سر نوشت ساز و ضامن جاودانگی امت اسلامی می باشد اقدام کافی به عمل آورده اند.

خواننده عزیز در اولین بخش این مقدمه (علی علیه السلام از بعثت تا هجرت) متوجه شدید چگونه ایثار و فداکاری شجاعانه علی علیه السلام مورد اعجاب فرشتگان مقرب خدا و سبب مباهات پروردگار عالمیان و نجات جان پیغمبر گرامی اسلام گردید.

در دومین بخش (علی علیه السلام پس از هجرت) دریافتید خداوند متعال جاودانه شدن اسلام در زمان پیغمبر را چگونه به دست با کفایت آن حضرت رقم زد، در حالی که

از خلفاء ثلاثه در زمان پیغمبر غیر از فرار از جنگ و عدم شایستگی و لیاقت نقل نشده، در این بخش مختصری از چگونگی زمینه سازی پیغمبر اسلام، به فرمان خداوند متعال برای امامت و خلافت و ولایت و اولو امری علی علیه السلام به نظر شما خواهد رسید.

اول - در اولین جلسه ضیافت تبلیغی پیغمبر، که پس از نزول آیه شریفه انذار (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (1) با حضور چهل نفر از بزرگان بنی هاشم و قریش تشکیل گردید. با اینکه سن امیر المؤمنین علی علیه السلام از همه حاضرین کم تر و قبل از سن بلوغ آن حضرت بود، در باطن به فرمان خداوند متعال و در ظاهر با انجام تشریفات ظاهری علی علیه السلام را به خلافت خود انتخاب فرمود.

دوم - در تشریفات عقد اخوت بین مسلمانان آن حضرت را به برادری و اخوت خودش سرافراز فرمود.

سوم - بارها و بارها این سخن را در حضور مسلمانان به زبان آوردند (يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي) و در هر فرصت، برادری و خلافت آن حضرت را تأیید و تنفیذ فرمود. بطوری که این

ص: 31

حدیث متواتراً از اکثر صحابه پیغمبر نقل شده و یکی از علمای برادران اهل سنت می گوید من این حدیث را به پنج هزار طریق روایت می کنم. (1)

چهارم - با تکرار حدیث شریف (أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيِّ بَابُهَا) در هر مناسبتی برای هدایت مسلمین به نعمت عظیم صراط مستقیم و نجات از انحراف و ضلالت و گمراهی و دستیابی به حقایق علوم و معارف اسلامی، علی علیه السلام را معرفی فرمود. علامه بزرگوار میر سید حامد حسینی موسوی هندی (قدس سره) جلد پنجم از کتاب شریف عبقات الانوار را در 800 صفحه به این حدیث شریف اختصاص داده است. ضمناً صد ها حدیث دیگر مفاد این دو حدیث را تأیید می نماید و صد ها حدیث دیگر در موضوعات مختلف این زمینه سازی را تأیید می نماید که در این جا محل ذکر آن ها نیست و فقط اشاره ای بسنده شده؛ خوانندگان به کتب تاریخ و حدیث و بخصوص به کتب مناقب مراجعه نمایند که بسیاری از این کتب را علمای اهل سنت و پیروان مکتب خلافت نوشته اند و بیشتر آن ها امروز، در دسترس می باشد. اکنون برای آگاهی و اطمینان بیشتر شما از صد ها آیه ای که در قرآن در شأن

ص: 32

آن حضرت نازل شده چند آیه ذکر می نمایم.

(1) حافظ ابو نعیم که علمای اهل سنت او را محل وثوق و مفخر علمای خود و تاج المحدثین خوانده اند از ابن عباس حبر امت روایت می کند چون این آیات شریفه نازل شد (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ * جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ) (1) پس از نزول این آیات رسول خدا به علی فرمود: یا علی منظور خدا از خیر البریه تو و شیعیانت می باشید که روز قیامت خواهید آمد در حالی که خداوند متعال از شما راضی و شما از خدا راضی خواهید بود. خداوند متعال علی علیه السلام و پیروانش را خَيْرُ الْبَرِيَّةِ و پیغمبر پیروان علی را شیعه نام گذاری فرموده؛ ضمناً این حدیث و مضمون آن به وسیله عده کثیر دیگری هم روایت شده؛ که چون ذکر اسناد احادیث سبب تطویل کلام خواهد شد از ذکر آن ها خود داری می شود. علاوه بر این، دانشمند گران مایه آقای محمد باقر انصاری در کتاب ارزشمند خطابه غدیر در آئینه اسناد اکثر اسناد خطبه و حتی اسناد هر یک از جملات خطبه را

ص: 33

نزول آیات ذیل در شأن حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز مورد قبول کلیه مسلمین شیعه و سنی می باشد.

(2) آیه 30 از سوره انسان که می فرماید: (وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا) یعنی خواست های غیر از خواسته خداوند متعال ندارید. این آیه با آیات 3 و 4 سوره و النجم که می فرماید: پیغمبر غیر از وحی الهی سخن نمی گوید. دارای یک مضمون است و خداوند متعال گفتار و رفتار و خواستار ایشان را با پیغمبر مانند هم بحساب آورده و خواسته ها و گفتار ایشان را خواسته خود دانسته.

این سوره به اجماع کلیه مورخین و محدثین و مفسرین شیعه و سنی درباره علی و فاطمه و حسنین نازل شده و خلافتی در آن نیست.

(3) آیه 61 از سوره آل عمران مشهور به آیه مباهله: (قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ) که به اجماع فریقین در این آیه خداوند متعال علی علیه السلام را نفس پیغمبر خوانده است. این آیه درباره مباهله پیغمبر با نصاری نجران نازل شده؛ کلیه

فرق مسلمین بدون استثناء بر نزول سوره انسان در شأن علی و همچنین آیه أَنْفَسْنَا دَرَبَارَةَ آن حضرت اتفاق نظر دارند.

(4) آیه 32 از سوره احزاب نام بردار به آیه تطهیر: (لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) این آیه هم در شأن همان پنج نفری نازل شده که در مباحثه شرکت داشته اند و پیغمبر گرامی و علی علیه السلام را یکسان خداوند متعال از آلودگی به هر گونه گناه و معصیت و اشتباه پاک و پاکیزه و مُبْرًا قرار داده است (بر گرفته از خطبه غدیر).

(5) آیه 55 از سوره مائده: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) که باجماع مسلمین، این آیه در شأن علی نازل شده زیرا آن حضرت در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد و خداوند متعال همان ولایت امری را که خودش و پیغمبرش دارند برای علی علیه السلام قرار داده (بر گرفته از خطبه غدیر). ضمیر جمع در آیه در شأن علی علیه السلام و یازده امام از نسل آن حضرت می باشد.

(6) آیه 12 از سوره یس: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) که پیغمبر در خطبه غدیر هم به آن استناد

فرموده و گفته امام مبین علی علیه السلام می باشد که خداوند متعال دانش و علم همه اشیاء را در او جمع نموده و فرمود: هیچ علم و دانشی نبود، مگر این که خداوند متعال به من آموخت و من همه آن ها را به علی که امام متقین است آموختم، و او امام مبین است که خداوند متعال در قرآن فرموده: (وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ) . لازم به توضیح است که جمله كُلُّ شَيْءٍ شامل کلیه عوالم وجود و کلیه موجودات و مخلوقات قادر متعال بدون استثناء خواهد بود (بر گرفته از خطبه غدیر).

(7) آیه 43 از سوره رعد که می فرماید: (قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ) که خداوند در این آیه علی علیه السلام را با خودش شاهد رسالت پیغمبر قرار داده و علی علیه السلام را دارای علم کتاب خوانده است و شهادت علی علیه السلام را به تنهایی کافی خوانده است.

(8) آیه 142 از سوره اعراف می فرماید: (وَ قَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي...) و پیغمبر بار ها و بار ها فرمود: (يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي) در این جا پیغمبر گرامی منزلت خلافت و برادری علی علیه السلام را نسبت به خود به

موجب آیه قرآن بغیر از مقام نبوت اثبات می نماید (بر گرفته از خطبه غدیر).

9) آیه 67 از سوره مائده: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) بر گرفته از خطبه غدیر پیغمبر قبل از سفر حجة الوداع با اعلام عمومی و اطلاع رسانی به همه مسلمین همگی را برای مشارکت در حج و یادگیری مناسک و مراسم حج دعوت فرمود و پس از انجام مراسم حج قبل از متفرق شدن، ایشان نزدیک جُحفه در محل غدیر خم، توقف فرموده و نزول این آیه را اعلام دادند فرمودند و دستور دادند کسانی که از جمعیت یک صد و بیست هزار نفری پیشی گرفته اند بر گردند و عقب ماندگان به جمعیت ملحق شوند و فرمودند: من مأمور شده ام تا فرمان خداوند متعال را که سه مرتباً قویاً و با نهایت تأکید دستور داده در همین مکان (که گنجایش کافی دارد قبل از متفرق شدن جمعیت) به انجام برسانم؛ و امر خلافت و جانشینی و امامت و اولو الامر و ولایت علی علیه السلام را که خداوند متعال آن را مهم ترین امر مأموریت و منظور اصلی رسالت من است، ابلاغ و عدم تبلیغ آن را معادل عدم تبلیغ رسالتم قرار داده، به شما ها برسانم.

ص: 37

سپس حضرت شروع به خواندن خطبه فرمود و پس از حمد و ثنای الهی و خواندن آیه فرمان خداوندی برای تبلیغ فرمود: جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و پس از ابلاغ سلام پروردگرم فرمان داد، در همین مکان بپاخیزم و اعلام نمایم به هر سفید و سیاهی، بر این که اُمّت و علی ابن ابیطالب برادر و وصی و خلیفه من بر امام بعد از من است و منزلت او نسبت به من مثل منزلت هارون بموسی می باشد غیر از این که پیغمبری به من ختم شده و بعد از من پیغمبری نیست و خداوند متعال در این مورد در کتابش نازل فرموده (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (1). ولی و اولو الامر و صاحب اختیار شما کسانی هستند که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند و این علی بن ابیطالب است که در حال رکوع نماز به قصد رضای خدا زکات داد.

کلمه الَّذِينَ وَضُمَاءُ جمع جمع که بصورت جمع آورده شده اشاره به یازده امام از فرزندان پیغمبر از نسل علی علیه السلام می باشد که پیغمبر در فراز های 3 و 5 و 6 و 10 خطبه هم ذکر فرموده اند.

ص: 38

و در فراز 3 خطبه می فرماید ای مردم بدانید و بفهمید که خدا علی را بر شما امام و ولی امر و واجب الطاعة منصوب فرموده و امر او را بر مهاجرین و انصار و تابعین ایشان و بر هر روستایی و شهری و بر هر عجمی و عربی، و بر هر بنده و آزاد، و بر هر کوچک و بزرگ، و بر هر سفید و سیاه و بر هر خدا پرستی، نافذ و حکم او را واجب قرار داده و هر کس او را تصدیق کند و تابع او باشد مورد رحمت الهی است.

و باز در همین فراز از خطبه می فرماید خداوند متعال صاحب اختیار و معبود شماست و بعد از خداوند پیغمبرش صاحب اختیار شماست و بعد از پیغمبر بامر خداوند متعال صاحب اختیار و امام شما علی علیه السلام و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان علی علیه السلام می باشد؛ تا روزی که خدا را ملاقات کنید؛ و باز می فرماید هیچ علمی نیست مگر این که خدا بمن آموخته و هر علمی را که خدا به من آموخته به علی علیه السلام آموخته ام و او امام مبین است و نیز فرمود: علی امیر المومنین است و کسی غیر از علی امیر المومنین نیست.

و در فراز چهارم فرمود: ای مردم چه کسی صاحب اختیار شما می باشد؟ گفتند خدا و رسولش. پس علی

را بلند کرد و فرمود ای مردم بدانید هر که من صاحب اختیار او هستم. این علی صاحب اختیار او می باشد و این علی برادر من و وصی من و جامع علم من و خلیفه من بر امت می باشد. و فرمود: خدایا دوست علی را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار و یاری کننده او را یاری کن و خوار کننده او را خوار فرما.

در فراز ششم می فرماید: من به دستور خداوند متعال امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت در علی و بعد از علی، در نسل خودم از فرزندان علی تا روز قیامت و دیعه قرار دادم و آن چه که مامور به ابلاغش بودم، رساندم و ابلاغ کردم، تا حُجَّت باشد بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند، به دنیا آمده یا نیامده اند پس حاضران به غایبان و، پدران به فرزندان تا روز قیامت باید برسانند و به زودی امامت را بعد از من غصب خواهند کرد؛ و به ظلم و زور خواهند گرفت و تبدیل به زمامداری و کشور داری خواهند کرد؛ خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند. و باز در همین فراز می فرماید: بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و آنان و پیروانشان اصحاب صحیفه هستند.

در این جا غیر از عده ای معدود از کسانی که هم زمان با

سفر حجة الوداع، محرمانه با امضای صحیفه ای با جمع مقام های نبوت و خلافت با هم در خانواده بنی هاشم شدیداً مخالفت کرده بودند منظور حضرت را متوجه نشدند و همان عدّه معدود امضاء کنندگان صحیفه در لحظه رحلت پیغمبر با استفاده از اشتغال علی علیه السلام بر تشریفات غسل و کفن و دفن و نماز بر پیغمبر. در سقیفه بنی ساعده اجتماع نمودند و برای خلیفه تراشی، اول ابو بکر، عمر را برای خلافت معرفی کرد! و عمر گفت: چون تو یار غار پیغمبر بوده ای به خلافت اولی هستی دستت را دراز کن و پس از بیعت عمر با ابو بکر، بقیه اصحاب صحیفه عجلولانه با ابو بکر بیعت کردند. در همین موقع قبیلهٔ اسلم برای تهیه آذوقه به مدینه آمده و تمام کوچه های مدینه را پر کرده بودند. عمر از همین موقعیت استفاده کرد و در برابر کمک و همکاری آن ها وعده تحویل آذوقه مجانی به آن ها داد و اصحاب صحیفه در جلو و قبیله اسلم در عقب با سر و صدای زیادی به مسجد پیغمبر رفته و ابو بکر را به منبر پیغمبر نشانند.

در این حال شیطان در هیئت پیر مرد محاسن سفید با پیشانی پینه بسته و فوق العاده ظاهر الصلاح، که نظر هر بیننده ای را به خود جلب می کرد قبل از همه پس از

تبریک غصب خلافت، با ابوبکر بیعت کرد و گفت: تمام خوشحالی و سرور من در این است که نمردم و تو را بر فراز این منبر دیدم؛ بعضی از ساده لوحانی که به دنبال جمعیت به مسجد وارد شده بودند دنبال بیعت شیطان و بیعت مجدد اصحاب صحیفه که عموماً از سر جنابان اصحاب پیغمبر بودند با ابوبکر بیعت کردند و کسانی که نمی خواستند بیعت کنند با فشار عمر و اصحاب صحیفه و قبیله اسلم از ایشان بیعت گرفته شد و اصحاب صحیفه قدرت را در دست گرفته و اجتماع انگشت شمار اصحاب صحیفه را در سقیفه برای مشروعیت دادن، اجماع امت نامیدند! و منصب خلافت را که خداوند متعال با هشدار و تأکید، برای جاودانه شدن اسلام مخصوص علی علیه السلام و ائمه طاهرین اولاد علی از نسل پیغمبر قرار داده بود، غصب و مفاد صحیفه ملعونه را اجرا نمودند در صورتی که هیچ یک از بنی هاشم و بزرگان صحابه پیغمبر در این اجماع و این بیعت حضور نداشتند.

(10) آیه سوم از سوره مائده: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) که خداوند متعال پس از ابلاغ امر امامت و خلافت و اولو الامر علی علیه السلام رضایت و

خشنودی خود را از اكمال دين و اتمام نعمت - که با نصب علی علیه السلام به خلافت و اولو الامر و امامت مسلمین تکمیل گردیده - با نزول این آیه اعلام می فرماید. مفهوم این آیه عدم اكمال دين و عدم اتمام نعمت پروردگار قبل از اعلام رسمی خلافت و اولو الامر علی علیه السلام می باشد.

11) آیه 1 از سوره معارج: (سَأَلُ سَائِلٌ بَعْدَآبٍ وَّاقِعٍ) پس از اتمام خطبه و اعلام خلافت و امامت علی علیه السلام عربی معترضانه از پیغمبر سوال کرد: آیا علی را به میل خودت به خلافت نصب کردی یا به امر خدا؟ پیغمبر فرمود به امر خدا علی را به خلافت و جانشینی خودم منصوب نمودم. آن عرب رو به آسمان نمود و گفت: خدایا اگر این کار به دستور تو انجام شده صاعقه ای بفرست و مرا هلاک کن. فوراً در همان لحظه صاعقه ای بر او فرود آمد و او را هلاک نمود! و این آیه نازل شد.

از صد ها آیه که در قرآن کریم در شأن علی علیه السلام نازل شده، با مرور مختصری در این چند آیه، که بیشتر آن ها از خطبه غدیر نقل شده و با توجه به حد اعلای اعتبار و تواتر خطبه غدیر از نظر کلیه علمای همه فرق مسلمین هیچ کس نمی تواند نزول آن ها را در شأن

علی علیه السلام انکار نماید مطالب ذیل روشن می شود:

1. خداوند متعال در لیلۃ المیتت به علی و عمل علی علیه السلام مباحثات می نماید.

2. علی و شیعیان علی را خیر البریه و اهل بهشت عدن می شمارد.

3. همان طور که خدا گفتار پیغمبر را فقط از وحی الهی می شمارد خواسته علی علیه السلام و فاطمه و حسنین را هم در سورۃ هل آتی بدون استثناء خواسته خود می شمارد.

4. علی علیه السلام را در آیه مباحله نفس پیغمبر می شمارد.

5. در آیه تطهیر علی علیه السلام را با پیغمبر هم شأن یک دیگر قرار می دهد.

6. در آیه ولایت و اولو الامر علی و پیغمبر را هم شأن یک دیگر قرار می دهد.

7. شهادت علی را به تنهایی با شهادت خودش برای رسالت پیغمبر کافی و علی را دارای علم کتاب معرفی می نماید.

8. خداوند متعال نسبت هارون به موسی را در قرآن برادری و خلافت ذکر می فرماید و پیغمبر منزلت علی را نسبت به خود، نسبت هارون به موسی غیر از شأن نبوت می شمارد.

ص: 44

9. نصب علی علیه السلام به خلافت و ولایت و اولو الامری به فرمان مؤکد خداوند متعال انجام شده و خداوند متعال، عدم نصب علی علیه السلام را بخلافت و امامت و اولو الامری عدم انجام رسالت پیغمبر دانسته و پیغمبر مهم ترین مأموریت دوران رسالت خود را به بهترین و کامل ترین وضع و در بهترین موقعیت بانجام رسانده و محلی برای هیچ گونه شک و تردید و ابهامی در نصب بلا فصل علی علیه السلام بخلافت از طرف خداوند متعال و پیغمبر باقی نگذاشته.

10. خداوند متعال پس از نصب علی علیه السلام به خلافت و اولو الامری، مسلمین رضایت و خشنودی خود را از انجام این امر مهم با نزول آیه اکمال دین و اتمام نعمت به پیغمبر خود ابلاغ فرموده و انجام نهائی و این دو امر فوق العاده مهم را در اثر اعلام رسمی خلافت بلا فصل و اولو الامری علی علیه السلام دانسته.

11. مخالفت در این امر مهم را مورد غضب شدید قرار داده و عربی را که مخالفت نمود، به تقاضای خودش سریعاً به عذاب دنیوی و اخروی گرفتار گردید.

12. در این آیات قرآنی که باستناد به خطبه غدیر، و اسناد معتبر و متواتر مورد توافق اکثر محدثین و علمای مورد وثوق شیعه و سنی در شأن علی علیه السلام نازل شده،

ما فقط به مفهوم ظاهری آن آیات که برای عموم خوانندگان محترم قابل درک و فهم می باشد، اشاره کردیم و از ذکر مفاهیم لطیف و عرفانی باعظمتی، که درک آن ها ممکن است برای بعضی مشکل باشد خود داری نمودیم ولی در آیه 12 سوره یس که پیغمبر گرامی در خطبه غدیر فرمود این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده مبنی بر این که علی همان امام مبین است، که خداوند متعال کلّ شیء را در او احصاء فرموده. همین مفهوم ظاهری آیه دارای آن چنان عظمتی می باشد که هزاران کتاب و هزاران قصیده و هزاران شعر و مدیحه که به عربی و فارسی و سایر زبان ها درباره عظمت علی علیه السلام گفته شده و نوشته شده و هزاران برابر آن که در آینده با پی بردن به عظمت آن بزرگوار نوشته خواهد شد به کنه عظمتی که خداوند متعال به قدرت کامله خود به علی علیه السلام عنایت فرموده دست نیافته و دست نخواهند یافت؛ و به مضمون (أَهْلُ الْبَيْتِ أَذْرَىٰ بِمَا فِي الْبَيْتِ) برای چهارده معصوم پاک فقط قابل دسترسی می باشد که در این جا به چند مورد مختصر از هزاران مورد برای نمونه اشاره می شود:

اول: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال بقدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، تمام اسماء

عظمای الهی است.

دوم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، تمام اسماء حسناى الهی است.

سوم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، عرش و کرسی و لوح و قلم و... است.

چهارم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال بقدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، علم به کتاب است که در آخرین آیه سوره رعد هم به آن اشاره شده (در مورد چگونگی علم به کتاب به آیه 40 سوره نمل مراجعه شود).

پنجم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، علم به کل کتب و صحف سماوی و کتب انبیاء الهی و قرآن کریم است.

ششم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، علم به کلیه علوم از گذشته و آینده است.

هفتم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، علم به تمام

ص: 47

کرات زمینی و آسمانی و خورشید ها و ماه ها و ستارگان و کهکشان ها است که با رقم های میلیاردی و نجومی باید شمارش شوند.

هشتم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، تمام نعمت های الهی است که می فرماید: (وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا) (1) و یقیناً بشر قدرت شماره و احصاء آن را ندارد و خداوند متعال در علی علیه السلام احصاء فرموده.

نهم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی السلام احصاء فرموده، علم به تمام فرشتگان و ملائکه و جن و انس و پرندگان و خزندگان و ماهیان و میلیارد ها انواع جنبندها الی بی نهایت انواع مخلوقات خداوند متعال می باشد.

دهم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده، تمام کرامت ها و سخاوت ها و شرافت ها و فضیلت ها و شجاعت ها و قدرت ها و عزت ها و عظمت ها و جلالت ها است.

یازدهم: یک شیء از کل شیء که خداوند متعال به قدرت کامله خود در وجود مقدس و فوق العاده با

ص: 48

عَظَمَتِ امام مُبِين، امير المؤمنین علی علیه السلام احصاء فرموده بی نهایت میلیارد ها میلیارد کلمات پروردگار عالمیان است که در این آیه به آن اشاره شده.

(قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا) (1) بگو

اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود دریا خشک می شود قبل از آن که کلمات پروردگارم به آخر برسد، هر چند دریای دیگری به کمک آن بیاوریم که محتوای فوق العاده با عظمت این آیه را که کلمات پروردگار می باشد خداوند متعال به قدرت کامله خود در وجود با عظمت علی علیه السلام احصاء فرموده. با توجه به مختصر مواردی که برای نمونه به مانند قطره ای از دریا به عنوان شاهد به آن ها اشاره شد، در می یابیم که درک مفاهیم ظاهری احصاء کل شی که خداوند متعال به قدرت کامله خود در علی علیه السلام احصاء فرموده قطعاً از حد تصور ابناء بشر خارج است. و چنین مقامی را خداوند متعال تنها به پیغمبر گرامی اسلام و علی علیه السلام عنایت فرموده و همچنین افضلیت آن حضرت بر تمام انبیاء گذشته از آدم تا خاتم بغیر از پیغمبر گرامی اسلام از همین آیه

ص: 49

صريحاً معلوم است و با توجه به ضمائر جمع آیه شریفه: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (1) و خطبه غدیر این شئون علی علیه السلام شامل حال ائمه طاهرین از نسل علی همگی بخصوص امروز امام زمان علیه السلام را شامل می شود.

وَ يَقُولُ شَاعِرٌ:

هَا عَلِيٌّ بِبَشَرٍ كَيْفَ بَشَرٍ *** رَبُّهُ فِيهِ تَجَلَّى وَ ظَهَرَ

ولذا این موضوع را با این چند سطر شعر خاتمه داده و به نقل حدیث شریف غدیر و ترجمه آن می پردازیم:

گر او نبود دست خدا را که می شناخت؟ *** دست خدای عقده گشا را که می شناخت؟

گر در حریم کعبه علی پا نمی نهاد *** رکن و مقام و سعی و صفا را که می شناخت؟

در طلعتش جمال خداگر عیان نبود *** آئینه خدای نما را که می شناخت؟

گیرم که ناگزیر نمی شد زرد شمس *** آن شهریار حکمروا را که می شناخت؟

اورا اگر خدای به قرآن نمی ستود *** مالک رقاب روز جزا را که می شناخت؟

ص: 50

ور خود حدیث بسلمه عنوان نکرده بود *** آن نقطه مکون با را که می شناخت؟

توحید بی ولای علی کفر اگر نبود *** خورشید آسمان هدی را که که می شناخت؟

به زیر سایه لطف وی آرמיד *** ورنه هما و ظلّ هما را که می شناخت؟

دشمن رهین لطف تو بوده ست یا علی *** ورنه ترا به لطف و مدارا که می شناخت؟ (1)

در خاتمه چون ممکن است بعضی تصوّر نمایند شاید امثال این آیات در قرآن در شأن دیگران هم نازل شده باشد، یا سایر اصحاب پیغمبر هم ممکن است این خصوصیات و این شئون را داشته باشند برای رفع چنین توهّمات نا بجایی توضیحات ذیل ضروری به نظر می رسد.

(1) به گواهی تمام احادیث و کتب اهل سنّت و شیعه آیات 7 و 8 سوره مبارکه بینه؛ وصف (خَيْرُ الْبَرِيَّةِ) و بشارت بهشت و رضایت خداوند متعال در شان هیچ کس غیر از علی از علی و شیعیان او نمی باشد و آیات مبارک فقط در شأن علی و شیعیانش نازل

ص: 51

1- استاد محمد علی مجاهدی سیری در ملکوت، ص 121.

گردیده و مشابهی هم در مورد احدی غیر از ایشان در هیچ یک از مدارک معتبر سنی و شیعه نیست.

(2) سوره مبارکه هل اتی (انسان) و آیه 30 از آن سوره، که مفهومش مثل مفهوم آیات شریفه 3 و 4 سوره النجم است که گفتار پیغمبر را از وحی می شمارد، به اجماع اهل قبله در شأن علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین نازل گردیده و خداوند متعال، علاوه بر بشارت بهشت و نعمت های بهشتی از ایشان تشکر فرموده و در نزد هیچ یک از اهل قبله از شیعه و سنی احدی دارای این مقام و منزلت نیست.

(3) به اجماع اهل قبله در آیه مباحله خداوند متعال علی علیه السلام را نفس پیغمبر دانسته و احدی دیگر دارای چنین مقام و مرتبه نمی باشد.

(4) آیه 32 از سوره احزاب آیه تطهیر و آیه 55 از سوره مائده آیه ولایت و او لوالامری علی علیه السلام را هم شأن پیغمبر دانسته و احدی از اهل قبله چنین شأن و مقامی را برای احدی ادعا نکرده اند.

(5) آیه 43 از سوره رعد؛ اولاً خداوند متعال شهادت علی را به تنهایی با شهادت خود برای رسالت پیغمبر کافی دانسته، که برای احدی از اهل قبله چنین چیزی نقل نشده؛ ثانیاً خداوند متعال در این آیه، علی را

دارای همه علم کتاب، معرفی می نماید. بدیهی است غیر از پیغمبر، دیگری دارای چنین علم و مقامی نیست. آیه 12 از سوره یس (آیه احصاء کل شی) که حتی در شأن هیچ یک از انبیاء اولو العزم هم چنین آیه ای نازل نمروده و غیر از چهارده معصوم پاک (بخصوص امروز امام زمان) هیچ کس را به این مرتبه و مقام دسترسی نبوده و نخواهد بود.

مدارک خطبه غدیر:

متن کامل خطبه غدیر، توسط بسیاری از عالمان بزرگوار شیعه از قرن دوم هجری تاکنون در کتاب های

ایشان نقل شده است که برخی از این کتب در طول تاریخ از بین رفته و تنها نامی از آن ها باقی مانده است و اکنون فقط هفت مورد از منابع روایی که در دسترس ما هست این خطابه سعادت بخش را در بر دارد و این هفت کتاب عبارتند از:

1 - روضة الواعظین، ابن فعال نیشابوری، شهید 508 ه- ق.

2 - احتجاج شیخ طبرسی، متوفی 520 ه- ق.

3 - الیقین 4 - التحصین؛ 5 - الاقبال؛ هر سه کتاب از سید ابن طاووس، متوفی 664 ه- ق.

ص: 53

از این خطبه شریف به سه طریق در کتب فوق روایت شده است از امام محمد باقر (علیه السلام) زید بن ارقم، حذیفه بن یمان که هر دو نفر از صحابه رسول خدا بوده اند. جهت اطلاع بیشتر درباره اسناد و مدارک متن کامل خطبه غدیر به کتاب اسرار غدیر تألیف فاضل ارجمند و محقق گرامی آقای محمد باقر انصاری مراجعه نمایید متن خطبه غدیر که اکنون در دست شماس است از کتاب (نور الامیر فی خطبة الغدیر) تألیف محقق گرامی و فاضل آقای امیر تقدیمی بر گرفته شده که با هفت نسخه مذکور مقابله و از جهت ادبی و اعراب نیز مورد بررسی و دقت نظر بایسته قرار گرفته است. (1)

ص: 54

1- و ما متن این خطبه شریف را با واسطه از کتاب خطابه غدیر که به همت آقای حسین شانه چی به طبع رسیده بهره برده ایم.

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَدَنَا فِي تَقَرُّدِهِ، وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ، وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ، وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ، وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ وَمُبْدِنًا وَمُعِيدًا، وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ.

بَارِي الْمَسِّ مُوَكَّاتٍ، وَدَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ، وَجَبَّارِ الْأَرْضَيْنِ وَالسَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٍ سُبُوْحِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَّفَضِّلٍ عَلَيَّ جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَّطَوِّلٍ عَلَيَّ جَمِيعٍ مَنْ أَنْشَأَهُ يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعِيُونَ لَا تَرَاهُ، كَرِيمٍ حَلِيمٍ ذُو أَنَاةٍ، قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَمَنْ عَلَيْنِهِمْ بِنِعْمَتِهِ، لَا يَعْجَلُ بِإِنْتِقَامِهِ وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ.

حمد و سپاس از آن خداست که در یگانگی خود والا و در بی همتائی اش نزدیک است در سلطنت خویش شکوهمند و در ارکان خود با عظمت است. بر هر شیئی احاطه علمی دارد در حالی که در جای خود است و همه مخلوقات مقهور اویند همیشه ستوده بوده و همواره ستایش خواهد شد بزرگواریست که همیشه بوده و همیشه خواهد بود و آغاز گر آفرینش و باز گرداننده آن است و هر کاری به سوی او باز می گردد

او به وجود آورنده بر افراشته شده هاست (آسمان ها و افلاک)، و گستراننده گستره هاست (زمین ها)، فرمانروای مطلق زمین ها و آسمان هاست قدّوس و پیراسته است پروردگار فرشتگان و روح و تقضّل کننده بر همه آفریدگان است و لطف کننده بر هر آن چه به وجود آورده هر چشمی در منظر اوست و هیچ چشمی او را نمی بیند کریم و بردبار و تحمل کننده است رحمتش همه را فرا گرفته و با نعمتش بر آنان منت گذارده است در مجازات مجرمان عجله نمی کند و بر عذابی که شایسته آنند، شتاب نمی نماید.

قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الصَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكْنُونَاتُ وَلَا اِشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَلَيْسَ مِثْلَهُ شَيْءٌ وَهُوَ مُنْسَى الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٍ حَيٍّ وَقَائِمٍ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصَمَمَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّهِ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَا دَلَّ - عَزَّ وَجَلَّ - عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسَهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورَهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ، وَلَا مَعَهُ شَرِيكَ فِي

به اسرار نهران آگاه است و درون سینه ها را می داند، رازها از او پوشیده نیست و هیچ امر نهانی بر او مخفی (و مشتبه) نگردد احاطه بر هر شیء و غلبه بر آن و قوت در هر امر و قدرت بر هر کاری از آن اوست و مثل و مانند ندارد. او به وجود آورنده اشیاء است هنگامی که هیچ نبود دائم است و زنده و بر پا دارنده عدل است. معبودی جز او نیست و او عزیز و حکیم است.

والا تر از آنست که چشم ها او را دریابند، در حالی که او همه چشم ها را در می یابد و او لطف کننده آگاه است. هیچ کس با مشاهده، به وصف او نرسد، و به چگونگی او از پیدا و نهران آگاهی نیابد مگر به آن چه او «عزّ و جلّ» خود بر خویش راهنمایی کرده است.

شهادت می دهم اوست خدایی که قداستش هستی را پر کرده و اوست که نورش ابدیت را فرا گرفته و اوست که فرمایشش بدون مشورت مشاور اجرا گردد و در

تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ.

صَوَّرَ مَا أُبْتَدِعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ. وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلُفٍ وَلَا اِحْتِيَالَ أَنْشَاهَا فَكَانَتْ وَبَرَّاهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَمَنِّى الصَّنِيعَةَ الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَ اسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ.

مَلِكُ الْأَمْلاِكِ وَ مُفَلِّكُ الْأَفْلاَكِ وَ مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ. (كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَمَّى) (يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ) (يَطْلُبُهُ حَثِيثًا) قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

ص: 60

هر آن چه به وجود آورده، بدون نمونه و مثال، شکل هر و صورت داده و آن چه را آفریده، بدون همراهی کسی و بدون زحمت و بی نیاز از چاره اندیشی خلق فرموده است آفریدگان را ایجاد کرد، پس به وجود آمدند و خلعت هستی بر قامتشان پوشانید پس آشکار شدند. او خدائی است که خدائی جز او نیست آفرینش او محکم و آفریده او زیباست، عادل مطلق است که ظلم نمی کند و کریمی است که کارها به سوی او باز گردد.

و شهادت می دهم اوست خدایی که همه اشیاء در مقابل عظمتش متواضع و در برابر عزّتش ذلیل اند و در پیشگاه قدرتش سر تسلیم فرود آورده و در برابر هیبتش خاضع اند.

اوست مالک ملوک و سلطان سلاطین و فرازنده افلاک و فرمان فرمای مهر و ماه (که هر یک با مدت زمانی مقرر در حرکتند). (شب را به نور روز و روز را به تاریکی شب می پوشاند) (در حالی که شتابان در پی یک دیگر می روند). در هم شکننده هر زور گوی کینه توز و هلاک کننده هر شیطان سرکش است.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ زِدٌّ. أَحَدٌ صَدَمَدٌ (لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ) إِلَهُ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدُّ. يَشَاءُ فَيَمُضِي وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيَحْصِي، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَيُفْتِرُّ وَيُغْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، وَيُدْنِي وَيُقْصِي، وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

(يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ) لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ مُسْتَجِيبُ الدَّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ. الَّذِي لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يَضْجُرُهُ صُرَاحُ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَ لَا يُبْرِمُهُ الْحَاحُ الْمُلْحِينَ، الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَقِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ

نه او را ضدّی و نه همراه نظیر یست. یکتا و بی نیاز است. (کسی را نزیایده و کسی او را نزاده و هیچ همتایی ندارد.) او خداوند یگانه و پروردگار با عظمت است هر چه بخواهد تقدیر نماید؛ و هر چه اراده کند به انجام رسد می داند و احصا می کند. می میراند و زنده می کند. فقیر می کند و غنی می سازد. می خندانند و می گریانند. نزدیک می کند و دور می نماید. منع می کند و عطا می فرماید. پادشاهی فقط از آن او، ستایش مخصوص او، خیر فقط به دست او، و او بر هر کاری توانا است.

(شب را به روز و روز را به شب فرو می برد.) خداوندی نیست جز او که با عزّت و بسیار آمرزنده است. دعای بندگان را اجابت می کند و بخشش و عطای او بسیار و به شماره نفس ها آگاه و پروردگار جن و انس است هیچ چیز بر هیچ چیز بر او مبهم (و مشتبه) نگردد، و فریاد داد خواهان او را ملول نکند، و پافشاری اصرار کنندگان او را خسته نسازد. او نگهدارنده صالحان و موفق کننده رستگاران و ولی مؤمنان و پروردگار عالمیان است. و اوست که سزاوار است

يَشْكُرُهُ وَيَحْمَدُهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأَطِيعُ وَوَأَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَأَسْتَسَلِمُ لِمَا قَضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عِقَابِهِ. لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ وَلَا يَخَافُ جَوْرَهُ.

أَمْرُ إِبْرَاهِيمَ فِي مَوْضُوعِ هَامٍ

إشاره

وَأَقْرَبُ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَاللَّهُ هَدَى لِي بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُؤَدِّي مَا أُوحِيَ بِهِ إِلَيَّ، حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ، لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ، وَ إِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ

ص: 64

آفریدگان در همه حال شکر و سپاسش گویند.

او را سپاس بسیار گویم و پیوسته شکرش گزارم. در آسایش و گرفتاری، در شدت و آرامش به او و به فرشتگان و کتاب ها و فرستادگانش ایمان دارم به فرمان او گوش دارم و امر او را اطاعت نمایم و به آن چه او را خوشنود کند مبادرت ورزم و تسلیم تقدیر اویم رغبتم به اطاعت او و ترسم از عقوبت اوست، زیرا اوست خدایی که از مکر (و تدبیر) او نمی توان در امان بود و از ستم او نیز هراسی نیست (زیرا هرگز ظلم نمی کند).

2- فرمان خدا در موضوع مهم

به بندگی خودم برای او اعتراف دارم و به پروردگاری او شهادت می دهم، و آن چه را به من وحی فرموده ابلاغ می کنم مبادا اگر آن را انجام ندهم عذابی از جانب او بر من رسد که هیچ کس نتواند مانع آن شود، هر چند تدبیری بزرگ به کار بندد و دوستیش خالصانه باشد - و جز او معبودی نیست - زیرا که خداوند به من اعلام فرموده که

ص: 65

مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ صَنَعْتَنِي لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ، فَأَوْحَى إِلَيَّ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغَتْ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ). (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا فَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ. وَأَنَا أُبَيِّنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ؛ إِنَّ جَبْرَيْلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَهُوَ السَّلَامُ، أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أبيضٍ وَأَسْوَدٍ:

أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي

ص: 66

1- سورة مائده آيه 67 عبارات (في علي - جزء آيه نيست).

اگر آن چه را در حق علی بر من نازل نموده ابلاغ نکنم، رسالت الهی را نرسانده ام و حفاظت مرا از شرّ مخالفان ضمانت نموده و البته او کفایت کننده و بزرگوار است و خداوند به من چنین وحی فرموده است: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، ای پیامبر! آن چه را از جانب پروردگارت بر تو نازل شده - درباره علی - ابلاغ کن، و اگر چنین نکنی رسالت او را نرسانده ای؛ و خداوند تو را از (آسیب) مردم حفظ می کند.)

ای مردم من (تاکنون) در رساندن آن چه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده ام، و سبب نزول این آیه را برای شما بیان خواهم کرد (بدانید که) جبرئیل سه بار بر من نازل شده و از طرف پروردگرم - که او خود سلام است - مرا فرمان داده که در همین مکان به پا خیزم و به همگان، از سیاه و سفید اعلام کنم:

که که علی بن ابی طالب، برادر وصی و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است. اوست که مقامش

مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَىٰ بِدَلِكِ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ). (1)

وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرِيْلَ أَنْ يَسَّ تَعْفِي لِي السَّلَامَ عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ، إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ، لِعِلْمِي بِقِدَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَادْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِعِينَ بِالْإِسْلَامِ؛ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ

ص: 68

نسبت به من، همان مقام هارون نسبت به موسی جز آن که نبوت به من خاتمه یافته و پس از من نبوتی نیست؛ و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و پیامبرش است؛ و خدای متعال در این باره آیه ای از کتابش را بر من نازل فرموده است: (صاحب اختیار شما فقط خدا و پیامبر او و کسانی از اهل ایمانند که نماز را به پا می دارند و در حال رکوع زکات (صدقه) می دهند). و علی بن ابی طالب است که نماز را به پا داشته و در حال رکوع انفاق نموده و قصد او در همه حال خداوند عزیز و جلیل است.

و من از جبرئیل خواستم که از خداوند بخواهد تا مرا از ابلاغ این امر به شما معاف بدارد زیرا از شمار اندک متقیان و زیادی دورویان و فساد انگیزی سرزنش گویان و حیلۀ مسخره کنندگان اسلام آگاهم؛ همان کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف

(يَقُولُونَ بِاللَّسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَيَحْسَبُونَهُ) (1) هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ).

وَكَثْرَةً أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَدَّ مَوْنِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ وَهَوَاهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ (قُلْ أَذُنٌ عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أَذُنٌ) خَيْرٌ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) (2) الْآيَةَ وَلَوْ شِئْتُ لَأَسْمِي الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَانِهِمْ لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أُوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ، وَأَنْ أَدُلُّ عَلَيْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ.

ص: 70

1- سورة مبارکه فتح آیه 11

2- سورة مبارکه توبه آیه، 61 جمله میان کمان ها جزء آیه نیست و برای توضیح است.

نموده است: (به زبان هایشان می گویند آن چه را که در قلب هایشان نیست.) و این گناه بزرگ را کوچک می شمارند و آن نزد خداوند (گناهی) بزرگ است.

و هم چنین (به خاطر آن که) اینان بارها مرا آزرده اند تا آن جا که مرا (گوش) نامیدند و پنداشتند که من چنین هستم و این (تهمت) بدان سبب است که علی بسیاری از اوقات در کنار من است و من نیز به (سخنان) او توجه بسیار دارم و همچنین به سبب دل بستگی او به من و پذیرفتن او از جانب من تا آن که خداوند در این باره نازل فرمود: (و از آنان کسانی هستند که پیامبر را می آزارند و می گویند او (گوش) است؛ بگو گوش بودن برای شما خیر است، او به خدا ایمان دارد و (سخن) مؤمنان را باور می کند...)). اگر من بخواهم می توانم گویندگان این سخن را نام ببرم و آنان را معرفی نمایم ولی به خدا سوگند که در مورد آنان بزرگواری کرده ام.

ص: 71

وَكَأَنَّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ، ثُمَّ تَلَا (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

الإعلان الرسمي بامامة الأئمة الإثني

عَشْرَ (عليهم السلام)

إشاره

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ ذَلِكَ فِيهِ وَافْتَهُمُوهُ، وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَّ بِهِ لَكُمْ وَلِيًّا وَإِمَامًا، فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ، وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ. مَا ضِ حُكْمُهُ جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ مَنْ

ص: 72

اما خدا از من راضی نمی شود مگر آن چه را در حقّ علی بر من نازل فرموده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت (بار دیگر این آیه را) تلاوت فرمود: (ای پیامبر! آن چه را از جانب پروردگارت - درباره علی - بر تو نازل شده ابلاغ کن، و اگر ابلاغ نکنی رسالت او را نرسانده ای؛ و خداوند تو را از مردم حفظ می کند

3- اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام

ای مردم بدانید که این آیه در مورد اوست، پس آن را بفهمید و بدانید که خداوند او را صاحب اختیار و امام بر شما قرار داده که اطاعتش (بر همگان) واجب است؛ بر مهاجرین و انصار و بر کسانی که از آنان به نیکی پیروی کنند، بر روستایی و شهری بر عرب و عجم، بر آزاد و بنده بر بزرگ و کوچک بر سفید و سیاه و بر هر یکتا پرستی حکمش مطاع و کلامش جاری و فرمان او نافذ است مخالفش از رحمت خداوند

ص: 73

خَالَفَهُ. مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ. فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ؛ فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ إِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَ نَبِيُّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلَادِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ.

لا- حلال إلا- ما أحله الله ورسوله و هم و لا- حرام إلا- ما حرّمه الله عليكم ورسوله و هم، و الله عزّ و جلّ عرفني الحلال و الحرام و أنا أفصيت بما علمني ربي من كتابه و حلاله و حرامه إليه.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضْلُهُ، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ

ص: 74

به دور است و پیرو و تصدیق کننده او مورد رحمت الهی است پس خداوند او و هر کس را که گوش به فرمان او، و مطیع وی باشد، آمرزیده است.

ای مردم! این آخرین باری است که من در این اجتماع می ایستم، پس گوش بسپارید و اطاعت کنید و در برابر امر پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید زیرا که خداوند عزّ و جلّ صاحب اختیار شما و معبود شماست؛ و پس از او فرستاده و پیامبرش که هم اینک با شما سخن می گویند ولی شماست و بعد از من علی به فرمان خداوند صاحب اختیار و امام شماست و سپس امامت در ذریّه من از فرزندان، اوست تا روزی که خدا و رسولش را (در قیامت) دیدار کنید.

هیچ حلالی نیست مگر آن چه خدا و پیامبرش و آنان حلال کنند؛ و هیچ حرامی نیست مگر آن چه خدا و پیامبرش و آنان بر شما حرام کنند خداوند عزیز و جلیل تمام حلال و حرام را به من معرفی کرده است و آن چه را پروردگارم از کتاب خویش از حلال و حرام به من آموخته من به علی آموخته ام.

ای مردم او را برتر از همگان بدانید و بدانید که هیچ علمی نیست مگر آن که خداوند آن را در من جمع

أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلِّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ. وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ وَ مَا عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَسَ: (وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ). (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ يَعْمَلُ بِهِ، وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ؛ لَمْ يَسْبِعْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ، وَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً، وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ

ص: 76

1- سورة مبارکه یس آیه 12.

کرده است و هر علمی را که من فراگرفته ام در امام متّین جمع نموده ام پس هیچ دانشی نیست مگر آن که آن را به علی آموخته ام، و او (امام مبین) است که خداوند در سوره (یس) فرموده: (و ما هر امری را در امام مبین احصا نمودیم).

ای مردم! از (راه) او گمراه نشوید، و از وی رو بر متابید، و از پذیرش ولایتش به تکبر سر باز نزنید اوست که به سوی حق هدایت می کند و به آن عمل می نماید و باطل را از بین می برد و از آن باز می دارد، و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت کننده ای پروا ندارد او اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچ کس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت و اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد و اوست که با رسول خدا همراه بود در حالی که هیچ یک از مردان به جز او در عبادتِ خداوند پیامبرش را همراهی نمی کرد.

او نخستین نماز گزار و اولین کسی است که در کنار

مَعِيَ أَمْرُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي. فَفَعَلَ فَادِيًّا لِي بِنَفْسِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ؛ وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ؛ وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ. حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَدَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَصَلُّوا (نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ).

مَعَاشِرَ النَّاسِ يَا وَاللَّهِ بَشَرِ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَنَا وَاللَّهُ خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛ وَ

من، خدا را عبادت نموده است و من از طرف خدا به او امر کردم در خوابگاهم بخوابد و او با فدا کردن جانش برای من این فرمان را انجام داد

ای مردم! او را افضل بدانید که خدا او را برتری داده است و او را بپذیرید که خدا او را منصوب نموده است.

ای مردم! او از طرف خدا امام است و خداوند توبه منکر ولایتش را هرگز نمی پذیرد و او را نمی آمرزد خداوند بر خود حتم و لازم نموده که با مخالف امر (امامت) او چنین، کند (و آنان را) تا ابد و تا سر انجام روزگار به کیفری سخت معذب نماید پس از مخالفت با او پرهیزید که به آتشی گرفتار شوید که آتش گیره آن مردمان و سنگ هاینده که برای کافران آماده شده است.

ای مردم! به خدا سوگند پیامبران و رسولان پیشین (آمدن) مرا بشارت داده اند، و به خدا سوگند که من خاتم پیامبران و رسولان الهی و حجت بر همه آفریدگان از اهل آسمان ها و زمین هایم پس هر کس در این امر شک کند، به همان کفر جاهلیت، برگشته و هر

مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ. وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأَيَّامَةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالسَّاتُ فِينَا فِي النَّارِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهَ بِهِذِهِ الْفَضِيلَةَ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنْي أَبَدَ الْأَبْدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضُلُّوا عَلَيَّ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى؛ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَفِّقْهُ، أَلَا إِنَّ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ، فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَعَصَبِي، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ

که در مطلبی از کلام من تردید به خود راه دهد، در حقیقت به همه آن چه بر من نازل شده شک کرده است؛ و هر کس به یکی از امامان (از فرزندان من) شک کند به همه آنان شک نموده است و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم! خداوند عزیز و جلیل بر من منت نهاده و این فضیلت را به من عطا فرموده و هیچ معبودی جز او نیست؛ و حمد و سپاس من تا ابد و تا فرجام روزگار و در همه حال فقط برای اوست.

ای مردم! علی را برتر و والا تر بدانید، که او پس از من از هر مرد و زنی برتر است تا آن هنگام که خداوند خلق را روزی می دهد و آفرینش بر پاست؛ و از رحمت خدا دور است دور، و به خشم او گرفتار است، گرفتار کسی که این گرفتار مراد کند و با آن موافقت ننماید بدانید که این خبر را جبرئیل از جانب خداوند برای من آورده و او فرموده است: (هر که با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر اوست).

(پس هر کس باید بنگرد که برای فردا چه پیش فرستاده

مَا قَدَّمَتْ لِعَدِيٍّ وَ اتَّقُوا اللَّهَ) أَنْ تُخَالِفُوهُ (فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ). (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فَقَالَ تَعَالَى مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ: (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ
اللَّهِ). (2)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ أَفْهَمُوا آيَاتِهِ، وَ انظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَ لَنْ يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ
إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ شَائِلٌ بِعَضُدِهِ وَ رَافِعُهُ بِيَدَيَّ وَ مُعَلِّمُكُمْ.

ص: 82

1- بر گرفته از آیه 18 سوره مبارکه حشر و آیه 94 سوره مبارکه نحل

2- سوره مبارکه زمر، آیه 56.

است از خدا بترسید - که با علی مخالفت کنید - و در نتیجه قدمی پس از استواریش بلغزد - خداوند به آن چه انجام می دهید آگاه است).

ای مردم! علی همان (هم جوار خدا) است که خداوند در کتاب عزیزش آن را یاد نموده و از زبان مخالف او نقل کرده است که (حسرت و افسوس بر آن چه نسبت به جنب الله کوتاهی کردم).

ای مردم! در قرآن تدبّر کنید و آیات آن را بفهمید و به محکّمات آن توجه کنید و در پی متشابه آن نباشید. به خدا سوگند هرگز کسی باطن آن را برای شما بیان نمی کند و تفسیرش را برایتان روشن نمی سازد مگر این شخصی که دست و بازویش را گرفته ام و با دستانم او را بالا آورده ام و به شما اعلام می کنم که:

ص: 83

أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي وَوَصِيِّي، وَمَوْلَاؤُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّيْهِ هُمْ التَّقَلُّ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ التَّقَلُّ الْأَكْبَرُ فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِيٌّ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ أَلَا إِنَّهُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي أَرْضِهِ.

أَلَا وَقَدْ أَدَيْتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَأَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

وَأَنَا أَلَا إِنَّهُ لَا (أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) غَيْرُ أَخِي هَذَا وَلَا تَجِلُّ أَمْرُهُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرٍ.

هر کس من مولا و صاحب اختیار اویم، این علی مولا و صاحب اختیار اوست؛ و او علی بن ابیطالب است برادر و وصی من؛ ولایت او از جانب خداوند است که آن را بر من نازل فرموده است.

ای مردم! علی و پاکان از فرزندانم که از نسل اویند ثقل اصغر و قرآن، ثقل اکبر است؛ هر یک از این دو از دیگری خبر می دهد و تصدیقش می کند و با آن موافق است. این دو از هم جدا نمی گردند، تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند آگاه باشید که آنان امین های خداوند در بین آفریدگان و حاکمان او در زمین اند.

آگاه باشید که من ادا نمودم و آگاه باشید که ابلاغ کردم و آگاه باشید که به گوش شما، رساندم و آگاه باشید که به روشنی بیان کردم و آگاه باشید که خداوند عزّ و جلّ (چنین) فرمود و من از جانب او سخن گفتم.

آگاه باشید که هیچ کسی جز برادرم علی (امیر المؤمنین) نیست و آگاه باشید که پس از من لقب (امیر المؤمنین) برای هیچ کس جز او روا و جایز نیست

رفع علي (عليه السلام) بيدي رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم)

إشارة

ثم ضرب بيده على عضده فرفعه ثم قال: أيها الناس، من أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: الله ورسوله فقال: ألا من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وآل من وآله وعاد من عاداه، وأنصر من نصره، وأخذل من خذله.

معاشرة الناس، هذا علي أخي ووصي نبي وواعي علمي وخليفتي في أمتي على من آمن بي وع نفسه بكتاب الله عز وجل، والداعي إليه والعمل بما يرضاه، والمحارب لأعدائه والموالي على طاعته والتأهي عن معصيته.

إنه خليفة رسول الله، وأمير المؤمنين، والإمام الهادي من الله وقاتل التاكثين والقاسطين والمارقين بأمر الله.

4- بلند کردن و معرفی علی علیه السلام

در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بازوی علی علیه السلام را گرفته، او را بالا برد، و فرمود:

ای مردم! چه کسی بر شما از خودتان صاحب اختیار تر است؟ پاسخ دادند خدا و پیامبرش حضرت فرمود: آگاه باشید هر که من مولای اویم صاحب اختیار اویم این علی مولای اوست خداوندا! دوست بدار هر کس که ولایت او را بپذیرد و دشمن شمار هر کس که با او دشمنی کند و یاری نما هر که او را یاری کند و خوار گردان هر که او را فرو گذارد.

ای مردم! این علی، برادر و وصی من و حافظ و جامع علم من است، و او خلیفه من است در در امتم بر هر که به من ایمان آورده و خلیفه من بر تفسیر کتاب خداست و او دعوت کننده به سوی خدا و عمل کننده به آن چه مورد رضایت اوست و ستیزه گر با دشمنانش و دوستی کننده بر اطاعت او و بازدارنده از نافرمانی اوست.

به درستی که او خلیفه رسول خدا و (امیر المؤمنین) و امام هدایتگر از جانب خدا و جنگ کننده با ناکثین قاسطین و مارقین به امر خداست.

يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يَبْدُلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ) (1) بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَآلٍ مِنْ وَالَاهُ وَعَادٍ مِنْ عَادَاهُ وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلُ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنُ مَنْ أَنْكَرَهُ وَأَغْضِبُ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيِّ وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَصَبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) (2) وَقُلْتُ: (إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ) (3) وَقُلْتُ: (وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (4).

ص: 88

1- سورة مبارکه ق آیه 29

2- سورة مبارکه مائده آیه 3.

3- سورة مبارکه آل عمران آیه 19.

4- سورة مبارکه آل عمران، آیه 85.

خداوند فرموده است: (فرمان من تغییر نمی کند). پروردگارا! به امر تو می گویم: خدایا! دوست بدار هرکس علی را دوست بدارد و دشمن شمار هر کس او را دشمن شمارد و یاری کن هر که او را یاری کند، و خوار گردان هر کس او را فروگزارد و لعنت نما هر که او را انکار نماید، و غضب فرما به هر که حق او را منکر شود.

پروردگارا! تو خود این آیه را درباره ولی خویش، علی نازل فرمودی، آن زمان که این موضوع روشن شد و او را در این روز نصب نمودی: (امروز دینتان را برایتان کامل نمودم و نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام آیین شما باشد) و فرمودی: (به درستی که دین در نزد خدا اسلام است) و فرمودی: (هر کس غیر از اسلام دینی برگزیند هرگز از او پذیرفته نمی شود و او در آخرت از زیان کاران است).

ص: 89

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

التأكيد على توجه الأمة نحو مسألة الإمامة

إشارة

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَتُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صَلَّى إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَ- (أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) (1) (وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ) (2) (لا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ). (3)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ أَنْصِرْكُمْ لِي وَأَحِقْكُمْ بِي، وَأَقْرِبْكُمْ إِلَيَّ، وَأَعَزِّكُمْ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا عَنْهُ رَاضِيَانِ؛ وَمَا نَزَلَتْ

ص: 90

1- سورة مبارکه آل عمران آیه 26.

2- سورة مبارکه توبه آیه 17.

3- سورة مبارکه آل عمران آیه 88.

پروردگارا! تو را شاهد می‌گیرم که پیام تو را به مردم رساندم.

5- تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم! خداوند عزیز و جلیل دین شما را با امامت علی کامل نموده است، پس هر کس از او و جانشینانش، که تا روز رستاخیز و عرضه (اعمال) به محضر خداوند از فرزندان من و از نسل اویند پیروی نکند از کسانی است که: (اعمالشان در دنیا و آخرت تباه گشته). (و آنان در دوزخ، جاودان خواهند بود). (و عذاب از آنان کاستی نپذیرد و هیچ رخصتی به آنان داده نمی‌شود).

ای مردم! این علی، یاری کننده ترین شما بر من و شایسته ترین و نزدیک ترین شما به من و عزیز ترین شما نزد من است، و خداوند عزیز و جلیل و من از او راضی هستیم هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده

ص: 91

آيَةٌ رَضِيَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ مَا حَاطَبَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدَحَ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) (1) إِلَّا لَهُ، وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَ لَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرٌ دِينِ اللَّهِ، وَ الْمُجَادِلُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي، نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيَّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بُنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّةَ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ

ص: 92

1- سورة مبارکه دهر، آیه اول. اشاره به فضائلی است که در این سوره در شأن حضرت علی نازل شده است.

بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَيْفَ بِكُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ.

أَلَا وَإِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ، وَفِي عَلِيٍّ وَاللَّهِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) إِلَّا عَلَى الَّذِي آمَنَ وَرَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللَّهَ وَبَلَّغْتُكُمْ رَسُولِي وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) (2).

ص: 94

1- اشاره به آیه 35 سوره مبارکه نحل.

2- سوره مبارکه آل عمران آیه 102.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ، (1) (مَنْ قَبْلَ أَنْ نَطْمَسَ وُجُوهًا فَتَرَدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ) (2) بِاللَّهِ مَا عَنَى بِهَذِهِ الْآيَةِ الْإِقْوَمَاءَ مِنْ أَصْحَابِي أَعْرَفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ، فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ النَّورَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْلُوضٌ فِيِّي ثُمَّ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ ثُمَّ فِي السَّلْبِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللَّهِ وَبِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ

ص: 96

1- اقتباس از آیه 8 سوره مبارکه تغابن.

2- سوره مبارکه نساء آیه 47

6- اشاره به کار شکنی های منافقین

ای مردم! به خدا و رسولش و به نوری که با او نازل شده ایمان آورید، (قبل از آن که صورت هایی را هلاک کنیم و آن ها را به پشت بر گردانیم یا آنان را مانند اصحاب سدّیت لعنت کنیم). سوگند به خداوند که مقصود این، آیه گروهی از اصحاب من است که آنان را به نام و نسبشان می شناسم ولی مأمورم درباره آنان پرده پوشی کنم پس هر کس به آن چه در قلب خود از محبّت یا دشمنی به علی می یابد عمل کند و بداند ارزش عمل او وابسته به آن است.

ای مردم! آن نور که از جانب خداست در وجود من نهاده شده سپس در علی بن ابی طالب و در نسل او تا (مهدی) قائم قرار گرفته است، و مهدی، حق خداوند و هر حقی را که از ماست باز می ستاند زیرا که خداوند عزّ و جل ما را بر همه مقصران، دشمنان مخالفان،

ص: 97

وَالْمُحَالِفِينَ وَالْحَائِبِينَ وَالْأَثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْعَاصِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذَرْتُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلْتُ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلَ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ (انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ الصَّابِرِينَ). (1)

أَلَا وَإِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِاسْمِ اللَّهِ بِإِلَّا لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ فَيُحِيطَ عَمَلَكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِئِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِالْمُرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ

ص: 98

1- سورة مبارکه آل عمران آیه 144.

خیانت پیشگان، گناهکاران ستمکاران و غاصبان از همهٔ جهانیان حجت قرار داده است.

ای مردم! شما را هشدار می‌دهم، من رسول خدا هستم که قبل از من نیز پیامبرانی الهی بوده‌اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، (شما به راه) گذشتگان خود باز می‌گردید؟ پس هر کس به گذشته خود رو آورد، البته به خداوند زیانی نمی‌رساند و خدا بزودی شکرگزاران صابر را پاداش دهد).

آگاه باشید که علی به صبر و شکر وصف شده و پس از او فرزندانم از صلب او چنین‌اند.

ای مردم! با مسلمانی خود بر من منت مگذارید بلکه بر خداوند نیز منت نگذارید، که اعمالتان را تباه خواهد کرد و بر شما خشم گیرد و شما را به زبانه‌های آتش و دود مبتلا کند و البته پروردگارتان در کمینگاه است.

ای مردم! به زودی بعد از من پیشوایانی خواهند آمد

يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمْ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَأَنْصَارَهُمْ وَأَتْبَاعَهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ فِي الدَّرَجِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ.

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدَكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ. قَالَ فَذَهَبَ عَلَيَّ النَّاسُ إِلَّا شِرْذِمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوِرَاثَةً فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ، وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ، وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مَلَكًا وَ

که به سوی دوزخ فرا می خوانند، در حالی که آنان در قیامت یاری نخواهند شد.

ای مردم! خداوند و من از آن ها بیزاریم.

ای مردم! آنان و یاران و پیروانشان در پایین ترین مکان دوزخ اند و چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران.

بدانید که اینان (اصحاب صحیفه) اند؛ پس هر یک از شما باید در صحیفه خود نیک بنگرد.

روایتگر این حدیث گوید: بیشتر مردم مقصود حضرت را از اصحاب صحیفه ندانستند و فقط شمار اندکی متوجه آن شدند.

ای مردم! من جانشینی و خلافت را به صورت امامت و به وراثت، تا قیامت در نسل خود به ودیعه گذاشتم و آن چه را به تبلیغش مأمور بودم رساندم، تا بر حاضران و غایبان، و بر همه کسانی که در این مکان حضور دارند یا ندارند و نیز همه آنان که به دنیا آمده اند یا زاده نشده اند، حجت باشد و تا روز قیامت باید این پیام را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

و به زودی امامت را پس از من غاصبانه به صورت

ص: 101

اغْتَصَابًا، أَلَا لَعْنُ اللَّهِ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ، وَعِنْدَهَا سَهٌ يَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ (1) مَنْ يَفْرُغْ وَ (وَيُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ) (2) .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذْرِكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ (حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ) (3) .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدَى، وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعَدَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَهُوَ

ص: 102

1- اقتباس از آیه 31 سوره مبارکه الرحمن.

2- سوره مبارکه الرحمن، آیه 35.

3- سوره مبارکه آل عمران، آیه 179.

پادشاهی در آورند بدانید که خداوند این غاصبان متجاوز را لعنت نموده است! و در آن هنگام ای گروه جنّ و انس همان کسی (که به حساب ها) می پردازد بزودی به (حساب) شما خواهد پرداخت.

(و بر شما شراره های آتش و مس (گداخته) فرستاده خواهد شد و (نمی توانید) یاری بطلبید).

ای مردم! خداوند شما را به حال خود رها نخواهد کرد (تا آن که نا پاک را از پاکیزه جدا کند و البته خداوند شما را بر غیب آگاه نمی کند).

ای مردم! هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آن که خداوند اهل آن را به سبب دروغ پنداشتن آیات خدا، قبل از قیامت هلاک نماید و آن را تحت حکومت امام مهدی در آورد و البته خداوند بر وعده خود صادق است.

ای مردم! پیش از شما بیشتر اقوام نخستین گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد و همو اقوام آینده را

مُهْلِكُ الْآخِرِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأُولَيْنِ * ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ * كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ * وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ). (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ بِأَمْرِهِ فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْتَمَعُوا لِأَمْرِهِ، تَسَلَّمُوا، وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا، وَانْتَهَوْا لِتَهْتَدُوا، وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَلَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السَّبِيلَ عَنْ سَبِيلِهِ.

أَوْلِيَاءُ أَهْلِ الْبَيْتِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) وَأَعْدَانُهُمْ

إشارة

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرْتُكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي، ثُمَّ

ص: 104

نیز هلاک خواهد نمود خدای تعالی می فرماید: (آیا پیشینیان را نابود نکردیم؟ *سپس دیگران را در پی آنان نفرستادیم؟ * ما با مجرمان چنین رفتار می کنیم. *در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.)

ای مردم! خداوند مرا امر و نهی نموده، و من نیز به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام؛ و علم امر و نهی در نزد اوست پس به فرمان او گوش دهید تا در امان بمانید، و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را بپذیرید تا ارشاد شوید و به سوی آن چه او قصد می کند رو آورید و زنهار که راه های دیگر شما را از راه او جدا کند.

7- پیروان اهل بیت و دشمنان ایشان

ای مردم! من همان (صراط مستقیم) خداوندم که شما را به پیروی آن فرمان داده و پس از من صراط مستقیم علی است؛ آن گاه

ص: 105

وُلْدِي مِنْ صَلْبِهِ أُمَّةٌ أُنْهَدَى يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، ثُمَّ قَرَأَ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *
مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ * إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ * صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ) وَ
قَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ وَاللَّهُ نَزَلَتْ، وَ لَهُمْ عَمَّتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (1)، أَلَا إِنَّ حِزْبَ
اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. (2)

أَلَا إِنَّ أَعْدَانَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا.

ص: 106

1- اقتباس از آیه 62 سوره مبارکه یونس

2- اقتباس از آیه 56 سوره مبارکه مائده.

فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند، به حق هدایت نمایند و به حق داوری کنند سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تلاوت فرمود: (بسم الله الرحمن الرحيم *ستایش خدای را پروردگار جهانیان * رحمان و رحیم * مالک روز جزا * تنها تو را می پرستیم و فقط از تو یاری می جوئیم * ما را به راه راست راهبر باش * راه آنان که به ایشان نعمت داده ای نه کسانی که در خور خشم اند و نه گمراهان). آن گاه فرمود: این سوره در شأن من نازل شده و به خدا سوگند در شأن ایشان فرود آمده است، هم به طور عام و هم به طور خاص ایشان اولیاء خدایند که هراسی بر آنان نیست و محزون نمی گردند آگاه باشید که فقط حزب خدا چیره و پیروز است.

آگاه باشید که دشمنان ایشان جاهلانِ گمراه و برادران شیاطین اند که سخنان باطل را فریب کارانه به یک دیگر می رسانند.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ). (1)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ). (2)
أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ (3) تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالسَّلَامِ

ص: 108

- 1- سورة مبارکه مجادلہ، آیه 22.
- 2- سورة مبارکه انعام، آیه 82.
- 3- اقتباس از آیه 46 سورة مبارکه حجر.

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است: (قومی را نیایی که به خداوند و روز باز پسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خدا و پیامبرش مخالفت می ورزند دوستی کنند اگر چه آن ها پدران یا فرزندان یا برادران یا خاندانشان باشند. آنانند که خداوند در قلب هایشان ایمان را نگاشته است.)

آگاه باشید که دوستان ایشان مؤمنان هستند که خداوند آنان را این گونه وصف کرده است: (کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم نیالوده اند امان برای آنان است و آنان هدایت شدگانند).

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده و شک نورزیده اند.

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامت و امنیت به بهشت وارد می شوند و ملائکه با تحیت به دیدارشان می آیند

يَقُولُونَ: (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ). (1)

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَانَهُمْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ. (2)

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَصِلُونَ سَعِيرًا (3).

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَجَّتِهِمْ شَهيقاً وَهِيَ تَفُورُ وَ يَرُونَ لَهَا زَفيراً.

أَلَا إِنَّ أَعْدَاتَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا) (4).

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: (كُلَّمَا أَلْقَيْ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ

ص: 110

1- سورة مبارکه زمر آیه 73.

2- اقتباس از آیه 40 سورة مبارکه غافر.

3- اقتباس از آیه 10 سورة مبارکه نساء.

4- سورة مبارکه ، اعراف آیه 38

و می گویند: (سلام بر شما پاکیزه شدید پس به بهشت در آید و در آن جاودان بمانید).

آگاه باشید که بهشت برای دوستان ایشان مهیاست و در آن جا بدون حساب روزی داده می شوند

آگاه باشید که دشمنان ایشان کسانی اند که به آتش سوزان در آیند.

آگاه باشید که دشمنان ایشان کسانی اند که از دوزخ در حال جوشش صدایی وحشتناک بشنوند و زبانه آتش آن را ببینند.

آگاه باشید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره آنان فرموده: (هر گروهی که (به دوزخ) وارد می شود، همتای خود را لعنت می کند آگاه باشید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند فرموده است هر گاه گروهی از آنان به دوزخ افکنده شوند، نگهبانان از ایشان بپرسند: آیا هشدار دهنده ای به نزد شما نیامد؟* گویند آری هشدار دهنده ای به نزد ما آمد اما تکذیب کردیم و گفتیم خداوند هیچ چیز نازل نکرده است و شما در گمراهی بزرگی هستید)

ص: 111

الآ فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ أَلَّا فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (1)

أَلَّا إِنَّ (أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ) (2).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَدُونًا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلِيئًا كُلِّ مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَّا وَإِنِّي التَّنْذِيرِ وَعَلَى الْبَشِيرِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَّا وَإِنِّي مُنْذِرٌ وَعَلَيَّ هَادٍ. (3)

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيَّ وَصِيٌّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَّا وَإِنِّي رَسُولٌ وَعَلَيَّ

ص: 112

1- سورة مبارکه ملک آیات 8 - 11.

2- سورة مبارکه ، ملک آیه 12.

3- اقتباس از آیه 7 سورة مبارکه رعد.

(پس دور باد! اهل آتش از رحمت خدا).

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی اند که (در پنهان نیز از پروردگارشان می هراسند و برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است).

ای مردم! بین آتش سوزان و پاداش بزرگ عجیب فاصله ایست!

ای مردم! دشمن ما همان است که خدا او را نکوهش و لعن نموده، و دوست ما هر آن کس است که خداوند وی را مدح نموده و دوستش بدارد.

ای مردم! بدانید که من هشدار دهنده ام و علی بشارت دهنده.

ای مردم! بدانید که من بیم دهنده ام و علی هدایت کننده.

ای مردم! من پیامبر و علی وصی من.

ای مردم! بدانید که من رسول هستم و علی امام و

الأمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنَ بَعْدِي، وَالْأَيْمَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدُهُ، أَلَا وَآئِي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ.

الإمامُ المَهْدِيُّ عَجَلَ اللهُ فرجه

إشاره

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْكِ وَهَادِيهَا. أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِذِي اللَّهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْغَرَفُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ خَيْرُهُ اللَّهُ وَمُحْتَارُهُ، أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ.

أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُسَيِّدُ

وصی پس از من است و امامان بعد از او فرزندان اویند؛ و بدانید که من پدر آنانم در حالی که آن ها از نسل او خواهند بود.

8- حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بدانید که آخرین امامان از ما، (مهدی) قائم است. بدانید که او پشتیبان دین است. بدانید که او انتقام گیرنده از ظالمان است بدانید که او فاتح قلعه های کفر و ویرانگر آن هاست بدانید که او چیره بر هر گروه مشرک، و هدایت گر آنان است.

بدانید که او ستاننده خون اولیاء خداست و بدانید که او یاری کننده دین خداست.

بدانید که او بهره گیرنده بسیار از دریایی ژرف است بدانید که او هر صاحب فضیلتی را به فضلش، و هر نادانی را به نادانی اش مشخص کند. بدانید که او بر گزیده الهی و انتخاب شده اوست. بدانید که او هر علمی را وارث است و به هر فهمی احاطه دارد.

بدانید که او از جانب پروردگارش خبر می آورد و

لَأْمُرِ آيَاتِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ أَلَا إِنَّهُ الْمَفُوضُ إِلَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ.

أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ.

أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَآمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ.

التمهيد لامر البيعة

إشاره

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي قَدْ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي.

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ

آیات او را استوار و بلند می نماید بدانید که او رشید و استوار است بدانید که امور به او سپرده می شود.

بدانید اوست که پیشینیان به وی بشارت داده اند.

بدانید اوست حجتی که باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست و هیچ حقی نیست مگر همراه او و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید اوست که کسی بر وی غلبه نیابد و در مخالفت با او یاری نشود او ولی خدا در زمین و حکم کننده او در میان آفریدگانش و امین او بر نهان و

آشکار است

9- فرمان بیعت

ای مردم! من (معالم دین) را برای شما بیان کردم و به شما تفهیم کردم، و پس از من این علی آنها را به شما تفهیم می کند.

بدانید که من بعد از اتمام خطابه ام شما را فرا می خوانم تا برای بیعت و اقرار به او دست در دست من بنهید

ص: 117

أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَعَلَيْ قَدِّ بَايَعَنِي وَأَنَا آخِذٌكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتُهُ إِجْرًا عَظِيمًا) (1).

الواجبات والمحرمات

إشاره

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) (2) الآية.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَأَبْشَرُوا وَلَا تَخَلَّفُوا

ص: 118

1- سورة مبارکه فتح، آیه 10.

2- سورة مبارکه بقره آیه 158.

و سپس دست در دست علی بگذارید.

بدانید که من با خدا پیمان بسته ام و علی با من پیمان بسته، و من از طرف خداوند برای او از شما بیعت می گیرم بی گمان کسانی که با تو بیعت می کنند در واقع با خدا بیعت می نمایند، دست خداوند فراز دست آنان است پس هر کس که پیمان شکنند، همانا به زیان خویش شکسته است و هر کس به آن چه با خدا عهد بسته و فادار بماند خداوند به زودی به او پاداش بزرگی عطا خواهد کرد.

10- واجبات و محرمات

ای مردم حج و عمره از شعائر الهی اند (و هر کس حج یا عمره بگذارد بر او گناهی نیست که بین آن دو (صفا و مروه) را بپیماید).

ای مردم! به حجّ خانه خدا بروید، هیچ خانواده ای نیست که به خانه خدا در آید، مگر آن که بی نیاز گردیده و شاد شود و هیچ کس آن را وا نمی نهد،

ص: 119

عَنْهُ الْاَبْتَرُوا وَافْتَقَرُوا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ اِلَّا غَفَرَ اللهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ اِلَيَّ وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَاِذَا انْقَضَتْ حِجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحِجَّاجِ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتِهِمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضَيِّعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. (1)

مَعَاشِرَ النَّاسِ حُبُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ اِلَّا بِتَوْبَةٍ وَاقْلَاعٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، اَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا اَمَرَكُمُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فَاِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْاَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ اَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيَّ وَلِيكُمُ وَ مُبَيِّنٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي اَمِينٌ خَلَقَهُ اِنَّهُ مِنِّي وَاَنَا مِنْهُ وَهُوَ وَ

ص: 120

1- اشاره به آيات 120 سوره مبارکه توبه و 115 سوره مبارکه هود.

جز آن که نیازمند و تهیدست گردد.

ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف (عرفات مشعر، منی) نمی ماند مگر آن که خداوند گناهان گذشته او را می آمرزد، و چون حجّش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم! حاجیان مورد عنایت هستند، و آن چه هزینه می کنند به آن باز می گردد و خداوند پاداش نیکو کاران را تباه نمی کند.

ای مردم! با دین کامل و با فهم دین به حج بروید و از آن مکان ها جز با توبه و ترک گناه باز نگردید.

ای مردم! نماز را به پا دارید و زکات پردازید، آن گونه که خداوند شما را فرمان داده است؛ و اگر زمانی گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید علی ولی شماسست و تکلیف را برای شما بیان می نماید همان که خداوند او را پس از من برای شما امین خلقتش قرار داده است به یقین او از من است و من از اویم او و

ص: 121

مَنْ تَخَلَّفَ مِنْ ذُرِّيَّتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَأَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ أَخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّدَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي، وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ، إِلَى يَوْمٍ يُلْقَى اللَّهُ الَّذِي يُقَدَّرُ وَيَقْضَى.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلِّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَزِجْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ، أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُغَيِّرُوهُ.

أَلَا وَإِنِّي أَجَدُّ الْقَوْلِ أَلَا فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ

ص: 122

آنان که از ذرّیّه من جانشین اویند به شما پاسخ می دهند آن چه را پرسید و برای شما بیان می کنند آن چه را ندانید.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من یکایک آن ها را بشمارم و معرفی کنم و در یک مجلس به همه حلال ها امر و از همه حرام ها نهی کنم پس مأمورم از شما بیعت بگیرم و دست پیمان بفشارم برای پذیرفتن آن چه در مورد امیر المؤمنین علی و جانشینان پس از او از جانب خداوند آورده ام، همان کسانی که همگی از من و از اویند به امامتی که فقط در بین آن هاست و «مهدی» آخرین ایشان است تا آن روز که خداوند آن چه را مقدر و حتم فرموده اجرا کند.

ای مردم! هر حلالی که شما را به آن راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم، یقیناً از آن برنگشته و تغییر نداده ام آگاه باشید و این مطلب را به یاد بسپارید و حفظ کنید و به یک دیگر سفارش نمایید و آن را دگرگون نسازید و تغییر ندهید.

آگاه باشید که من سخن خود را تکرار می کنم؛ نماز

آتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُّرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَازُوا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي، وَتَبْلِغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ، وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِي، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْبِئِي وَلَا أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا نَهْيٌ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنُ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلَدَهُ، وَعَرَفْتُمْ أَنَّكُمْ مِنْهُمْ مَنِّي وَمِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ) (1) وَقُلْتُ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (إِنْ زُلْزِلَتْ

ص: 124

1- سورة مبارکه زخرف، آیه 28.

را به پا دارید و زکات پردازید و به کار نیک امر و از زشتی نهی کنید.

آگاه باشید که بالا ترین امر به معروف آن است که سخن مرا بفهمید و آن را به هر که حاضر نیست برسانید و او را از جانب من به پذیرش آن امر کنید و از مخالفت با آن پرهیز دهید زیرا این فرمانی از جانب خداوند عزّ و جلّ و از سوی من است و جز با امام معصوم امر به معروف و نهی از منکری نیست.

ای مردم! قرآن به شما اعلام می کند که امامان بعد از علی فرزندان اویند و من نیز به شما اعلام نمودم که آنان از من و از اویند آن گونه که خداوند در کتابش می فرماید و آن را کلمه ای پایدار در نسل او قرار داد و من نیز گفتم که اگر به هر دوی آن ها (قرآن و اهل بیت علیهم السلام) تمسک جویند، هرگز گمراه نمی شوید

ای مردم! بر شما باد به تقوی بر شما باد به تقوی و از قیامت خود را بر حذر دارید که خداوند عزّ و جلّ فرموده است:

ص: 125

السَّاعَةَ شَيْءٌ عَظِيمٌ (1).

أذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْمَعَادَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسَبَةَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالثَّوَابَ وَالْعِقَابَ، فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

الْبَيْعَةُ بِصُورَتِ رَسْمِيَّةٍ

إشاره

عَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ وَاحِدٍ فِي وَقْتِ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَخَذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمُ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلَى مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

ص: 126

1- سورة مبارکه حج، آیه 1.

(زلزله قیامت امری سهمگین است).

به یاد داشته باشید مرگ و معاد را و حساب و میزان ها را و حسابرسی در پیشگاه پروردگار عالم و پاداش و کیفر را هر که با خود نیکی بیاورد، به آن پاداش گیرد؛ و هر کس گناه بر دوش آورد او را از بهشت نصیبی نخواهد بود.

11- بیعت گرفتن رسمی

ای مردم! شما بیش از آنست که با دست و هم زمان، با من دست بیعت دهید؛ و پروردگارم مرا فرمان داده که از شما اقرار بگیرم برای علی (امیر المؤمنین) و بر امامان بعد از او که از من و اویند همان گونه که به شما اعلام نمودم ذریّه من از نسل اویند.

ص: 127

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ
الْأَيْمَةِ، تُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَيْدِينَا، عَلَى ذَلِكَ نَحْيًا وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ تُبْعَثُ، وَ لَا تُعَيَّرُ وَ لَا تُبَدَّلُ، وَ لَا نَشْكُ وَ لَا
نَجْحَدُ وَ لَا نَرْتَابُ وَ لَا تَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ، وَ عَظَمَتْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ
وُلْدِهِ بَعْدَهُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا، فَالْعَهْدُ وَ الْمِيثَاقُ لَهُمْ مَأْخُودٌ مِنَّا، مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَيْدِينَا وَ ضَمَائِرِنَا وَ أَيْدِينَا مَنْ
أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَ إِلَّا فَقَدْ أَقْرَبَ بِلِسَانِهِ وَ لَا تَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا يَرَى

پس همگان بگوئید: ما فرمانی را که از جانب پروردگاران دربارہ امامان علی امیر المؤمنین و امامان از صلب اورسانی، شنیدیم و اطاعت می کنیم و آن خشنودیم و سر تسلیم فرود می آوریم، و با قلب و جانمان و زبان و دستانمان بر این امر با تویعت می کنیم بر این عقیده زنده ایم و بر آن می میریم و با آن بر انگیزته می شویم در آن تغییر و تبدیل نمی دهیم و تردید نمی کنیم و انکار نمی نماییم و شک به دل راه نمی دهیم و از این پیمان باز نمی گردیم و آن را نمی شکنیم تو با موعظه الهی ما را به (امیر المؤمنین) علی و امامانی که گفتی پند دادی؛ امامانی که از ذریه تو و از فرزندان اویند یعنی (حسن) و (حسین) و آنانی که خداوند بعد از این دو منصوب کرده است. پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد، از قلب و جانمان و زبان و درون و دستانمان. هر که بتواند با دست بیعت هر که می کند و گرنه با زبان اقرار می نماید و تغییر در آن را شایسته خود نمی دانیم

اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا وَتُشْهَدُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ
مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَخَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلَّ عَلَيْهَا) (1) وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا
يُبَايِعُ اللَّهَ (يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ) (2) .

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايَعُوا اللَّهَ وَبَايَعُونِي وَبَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَيْمَةَ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَلِمَةً بَاقِيَةً. يُهْلِكُ اللَّهُ
مَنْ غَدَرَ وَبَرَّحِمَ مَنْ وَفَى (فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ

ص: 130

1- سورة مبارکه زمر آیه 41.

2- سورة مبارکه فتح، آیه 10.

و خداوند از سوی ما دگرگونی نبیند. ما این مطلب را از جانب شما (ای رسول خدا) به فرزندان و اهل خودمان از دور و نزدیک می‌رسانیم و خداوند را بر این امر شاهد می‌گیریم و او در مقام شهادت کافی است و تونیز بر ما شاهدهی.

ای مردم! آن چه را می‌گویید یقیناً خداوند بر هر سخن و از درون هر کس آگاه است؛

(پس هر که هدایت پذیرد به سود خود اوست و هر که گمراه شد به زیان خود گمراه شده است و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت کرده و دست خداوند فراز همه دست هاست).

ای مردم! با خدا بیعت کنید و با من بیعت کنید و با علی (امیر المؤمنین) و حسن و حسین و امامان از ذرّیه آنان که در دنیا و آخرت (کلمه باقیه) اند بیعت کنید. خداوند آن که بیعت شکند هلاک نماید و کسی را که وفا کند مورد رحمت قرار دهد. (و هر کس بیعت بشکند به زیان خود شکسته است،

ص: 131

وَمِنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (1).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَيَّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قُولُوا (سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ) (2) وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ) (3).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَقَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ، أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُخْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ. فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدِّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ

ص: 132

1- سورة مبارکه فتح آیہ 10.

2- سورة مبارکه بقره، آیہ 285

3- سورة مبارکه، اعراف آیہ 43

و هر کس به پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خداوند به او پاداش عظیمی عنایت می فرماید).

ای مردم! آن چه را به شما گفتم بگویید و به علی با عنوان (امیر المؤمنین) سلام کنید و بگویید: (شنیدیم و اطاعت کردیم پروردگارا! مغفرت تو را طلب می کنیم و باز گشت به سوی توست). و بگویید سپاس خدای را که ما را به این امر هدایت نمود و اگر خداوند ما را راهنمایی نمی فرمود هرگز هدایت نمی یافتیم بدرستی که فرستادگان پروردگار ما به راستی آمدند و حق را آوردند).

ای مردم! فضایل علی بن ابی طالب نزد خداوند - و در قرآنی که نازل فرموده بیش از آن است که همه را در یک مجلس بر شمارم پس هر کس عارف به آن (مناقب) بود و برای شما بیان کرد او را تصدیق کنید.

ای مردم! هر کس از خدا و پیامبر او و علی و امامانی

ص: 133

عَلِيًّا وَالْأَيْمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ إِلَى مَبَايَعَتِهِ وَمُؤَلَاتِهِ وَالتَّسَلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْلَيْكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ بِمَا آتَيْتُ وَأَمَرْتُ وَأَغْضَبَ عَلَيَّ الْجَاهِدِينَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ص: 134

که معرفی نمودم اطاعت کند، یقیناً به رستگاری بزرگی نائل آمده است.

ای مردم! کسانی که برای بیعت با علی و پذیرش ولایت او و سلام کردن به او با عنوان (امیر المؤمنین)، از دیگران پیشی بگیرند رستگارانند و در باغ های پر نعمت خواهند بود.

ای مردم سخنی بگوئید که خداوند به خاطر آن از شما خشنود گردد، و اگر شما و همه اهل زمین کافر شوید، هرگز به خدا زیانی نمی رسد. خدایا! به خاطر آن چه ادا کردم و امر نمودم مؤمنان را مورد آمرزش خویش قرار ده و بر منکرین کافر خشم گیر.

و الحمد لله رب العالمین

در این هنگام مردم به صدای بلند گفتند: فرمان خداوند به پیامبرش را شنیدیم و با دست و زبان و قلبمان اطاعت می کنیم. آن گاه همگان به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام ازدحام نموده و با ایشان دست بیعت دادند و پیوسته مهاجرین و انصار و گروه های دیگر مردم بر حسب مقام و شانسان پیش می آمدند، به گونه ای که نماز مغرب و عشا را نیز در همان مکان بجای آوردند و امر بیعت و دست در دست علی علیه السلام نهادن سه روز به

ص: 135

طول انجامید و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هر بار که گروهی بیعت می کردند چنین می فرمود:

(حمد و سپاس خدای را که ما را بر همه اهل عالم برتری داد.)

خدا اتمام نعمت با علی کرد *** در او تکمیل دین را منجلی کرد (1)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِدِينِنَا لَوْلَا اِيَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: 136

1- رفتار علوی عبد الرضا شیبانی

اعمال و آداب روز عید غدیر

- 1 روزه داشتن امام صادق علیه السلام فرموده اند: روزه داشتن در روز عید غدیر پاداشی معادل روزه گرفتن در همه عمر دنیا را دارد (اقبال الاعمال، ص 476)
- 2 - غسل کردن.
- 3 - افطاری دادن.
- 4 - اطعام کردن امام رضا علیه السلام فرموده اند: کسی که مؤمنی را روز غدیر اطعام کند همانند کسی است که همه پیامبران و صدیقان را طعام داده باشد (اقبال، ص 465)
- 5 - زینت کردن و آراستن.
- 6 - پوشیدن لباس نو.
- 7 - دیدار و مصافحه با مؤمنان.
- 8 - ابراز شادمانی کردن تبریک گفتن هدیه دادن و ذکر صلوات.
- 9 - خواندن نماز عید غدیر (دو رکعت و در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره توحید آیه الكرسی و سوره قدر).
- 10 - عقد اخوت و برادری.
- 11 - قرائت دعای شریف ندبه.
- 12 - زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام از دور یا نزدیک.

ص: 137

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

